

عقاید جدید آلمان در انگلستان نیز مؤثر افتاد و نژاد
 انگلوساکسون هم برای خود در عالم امتیازاتی قائل شده
 طرز رفتار خویش را با اهالی مستعمرات تغییر داد و
 فی المثل مردم انگلیسی که تا آن زمان رای فرا گرفتن
 علوم شرقی و امر از حیات بهندوسنان سفر میکردند از آن پس خود را چراغ
 تمدن و آن ممالک را ظلمات چهل شمردند و هندیان را سزاوارندگی
 خویش انگاشتند .

از حدود سال ۱۸۸۰ آموزگاران و شعرا و نویسندگان انگلیس هم
 که رودیارد کیپلینگ یکی از آن جماعه است ، بتقلید آلمان نفویت غرور
 ملی پرداختند و برای نژاد انگلوساکسون و دوات ابراطوری انگلس از امتیازات
 طبیعی و افتخاراتی ذکر کردند . کم کم در برتانی کسپیر نیز روح
 جنگجویی و قدرت نمائی دیده شد . ضمناً جمعی از مردان سیاسی و اقتصاد بون
 انگلیس خواستند بتقلید آلمان که بین دول مختلفه خویش ایجاد
 گمرکی ایجاد کرده بود ، میان متصرفات گوناگون انگلستان بزرگ
 امور اقتصادی و تجاری انحصاری پدید آورند . مثل ازیکه آنچه بن
 امر در ممالک آلمان بواسطه پیوستگی آنها یکدیگر سر و دد و ای در تصرف
 انگلیس بعزت پراکنندگی و اختلاف طبیعت و نژاد و روابط اخلاقی و
 سیاسی و غیره دشوار است . پروان این عقیده میخواستند بین انگلستان
 و مستعمرات مختلفه آن ایجاد گمرکی و تجاری ایجاد کنند و در پاره
 جدوجهد فراوان کردند . لیکن مقصود ایشان وجود مجلس رسمی
 متعددی که تا کنون برای مطامع در این امر سابق شده اند ناکارفته است .
 قدرت طلبی و میل توسعه قنارت سیاسی و اقتصادی در
 فرانسه طبعاً پدیده آلمان نمیرسید . چه درین مملکت
 اراده ملت سرآمد دولتی بیشتر مدخاه داشت . زعمی

میل انگلستان

توسعه اقتدارات

سیاسی و اقتصادی

فکر انتقامجوی

در فرانسه

فرانسه بیشتر میکوشیدند که بعنوان وطن پرستی آتش کینه آلمان را در قلوب مردم تند کنند و از مساعی پیروان سوسیالیسم که مخالف جنگ جهانی و در صدد ایجاد دوستی بین فرانسه و آلمان بودند، جلوگیری نمایند. به همین سبب نیز در ۳۱ ژوئیه ۱۹۱۴ ژان ژورس، پیشوای صاحب نفوذ سوسیالیستها را که مخالف جنگ بود بقتل رساندند. فرانسه با آنکه اساساً در ازدیاد قوای دری و بحری خودش جز انتقام جویی از آلمان قصدی نداشت، قوای مزبور را در توسعه مستعمرات نیز بکار برد و چنانکه در فصول پیش گذشته است قسمت مهمی از آفریقا و آسیا را بصرف آورد.

بواسطه بخارج فوق العاده صاحب مسلح و پیش بینی عواقب دیوان داری
شوم آن جمعی در صدد برآمدند که بوسائل کوناگون
تیان صاحب بین المللی را منسجم کنند و از ظهور جنگ
جلوگیری نماید از آنجمله در سال ۱۸۹۸ نیکولای دوم تزار روسیه
دو مرتبه دیرا دعوت کرد که از نمایندگان خود ایچمنی تشکیل
کردن در اب تجدید تجهیزات و اسلحه کام بنای صاحب مذاکره کنند.
انجمن مزبور در سال ۱۸۹۹ در شهر لاهه پایتخت هلند تشکیل شد
و نمایندگان ۲۶ دولت در آنجا گرد آمدند. در خصوص تجدید
تجهیزات و اسلحه محامات برخی از دولت و وجود مشکلات لاینحل سیاسی
مساعی میان بجائی نرسید ولی در باب حل اختلافات سیاسی بین المللی
مقرر شد که **کمیسیون دیوان داری دائمی** تشکیل شود و از آن پس هرگاه
بین دو دولت اختلافات سیاسی بجائی نرسد که بیم جنگ رود سایر
دولت آمو دولت را بدیوان مزبور دعوت کنند و حتی الامکان از
حدوث جنگ مسامت نمایند.

پس از تشکیل دیوان داوری لاهه دول معظم انگلستان و روسیه و آلمان و فرانسه چند بار حل اختلافات سیاسی خویش را که ممکن بود بچنگ منتهی شود بدیوان مزبور رجوع کردند. در سال ۱۹۰۷ انجمن بین‌المللی دیگری از نمایندگان ۴۴ دولت که ایران نیز از آنجمله بود در شهر لاهه تشکیل یافت و در آن انجمن دول مزبور متعهد شدند که از آن پس حل تمام اختلافاتی را که در باب تفسیر یا تطبیق عهود و قرار داد های بین‌المللی میان ایشان روی میدهد بدیوان داوری لاهه رجوع کنند.

فصل بیست و دوم

جنگ بین الهلی

۱ - مقدمات جنگ

اعلان جنگی که دولت اطریش هنگری در ۲۸ ماه ژوئیه ۱۹۱۴ بصرستان فرستاد موجب ظهور جنگ عظیمی شد که تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ یعنی متجاوز از چهار سال دوام یافت و آتش آن سراسر عالم را فرا گرفت. مورخین فرانسوی و انگلیسی و سایر دولی که با آلمان در نبرد بوده اند سعی دارند که مسئولیت این جنگ عالمسوز را مستقیماً بآندولت متوجه سازند و ظهور آنرا نتیجه قدرت طلبی و توجه و علاقه دوات مزبور بسط اقتدارات سیاسی و اقتصادی خویش شمارند، ولی چنانکه در فصل پیش اشاره کردیم مسئولیت جنگ فی الحقیقه بگردن عموم دول معظم اروپائیت و سیاستی که دول مزبور پس از جنگ ۱۸۷۱ اتخاذ کرده بودند آنرا خواه ناخواه بگرداب جنگ نزدیک میکرد. جنگ بین الهلی چون چاهی عمیق بود و دول اروپائی گرد آنچاه پابکویی برخانه بودند. دولت آلمان پیش از دیگران بچاه افتاد و بدین سبب در عمق آن جای گرفت و بار دیگران نیز بر دوش او فرود آمد.

دولتین آلمان و اطریش از دیر زمانی در صدد بودند که بر نفوذ سیاسی خویش در ممالک بالکان بفرزایند و دولت آلمان میخواست

که با حمایت از دولت عثمانی از طریق آسیای صغیر راهی بممالک مشرق و هندوستان باز کند و برلن را ببخداد اتصال دهد ، دولت روسیه که خیال تصرف قسطنطنیه را در سر میبخت و میخواست دائره تسلط و نفوذ نژاد اسلاورا از طریق صربستان نیز بدریای آدریاتیک رساند بامقاصد آلمان و اطریش ، مخالف بود و حتی الامکان از انجام آن ممانعت میکرد . بهمین سبب ممالک بالکان دائماً گرفتار دسائس ممالک سه گانه مزبور بودند و چنانکه در فصول پیش گذشت ، در نیمه دوم قرن نوزدهم و سنوات اولیه قرن بیستم کمتر روی صاحب و آسایش دیدند . دولت عثمانی خود را بدامان آلمان انداخته بود و دولت روسیه بعنوان اشتراك نژاد از صربستان حمایت میکرد . دول رومانی و ایتالیا که هر دو ظاهراً از متحدین آلمان بودند در باطن نقشه های دیگر داشتند . مقاصد فر دیناند تسار بلغارستان نیز بر هیچیک از دول آشکار نبود ، پادشاه یونان هم که شوهر خواهر و پادشاه دوم بود در باطن اوامر حکومت آلمان را اطاعت میکرد .

بنا برین علل اساسی حنك بین المللی عداوت فراسه و آلمانی بر سر ایالات آلزاس و لرن و همسری آلمان و انگلیس در سیاست بحری و اختلاف آلمان و اطریش با روسیه در مسائل بالکان و مشرق و رقابت تمام دول معظم اروپا در امور اقتصادی و تجاری و مستعمراتی بوده است و دول مزبور عموماً منتظر و بلکه مشتاق حنك بوده اند . منتهی دول مرکزی بگمان اینکه قوای ایشان از هر جهت بر قوای دشمنان برتری دارد چون ولیعهد اطریش در صربستان بقتل رسید موقع را مغتنم شمردده آتش حنك را که تسکین آن بازچندی موقتاً امکان پذیر بود بعمد دامن زدند .

قتل وایهید
اطریش و آغارحک

حادثه‌ای که پایه ایجاد جنگ عالمسوز بین المملی گشت قتل ولیعهد اطریش در شهر سراپه و بود .
آرشیدوک فرانسوا فردیناند ولیعهد اطریش و زنی
سوفی دو هو هنبرك را در سفری رسمی که بشهر سراپه و پایتخت
بستی کرده بودند یکی از حجت‌های آن ولایت موسوم به «گراویل پرنزیپ»
در ۲۸ ژون ۱۹۱۴ بمزرب گاوله قتل رسانید و حکومت اطریش
جمعی از وطن پرستان صربستان و حتی ولیعهد آن مملکت را مجرک و
مشول این امر شمرده از دعوات مزبور درخواست کرد که فوراً در بن
باب تحقیقات رسمی پردازد . دولت صربستان نیز اطاعت کرد و
خطر جنگ که در ممالک اروپا وحشتی بدیده آورده بود ، وقتاً از میان
برخاست . چنانکه ویلهلم دوم برای باز دید کشتیهای آلمانی بدریای
شمال رفت و پوانکاره رئیس جمهوری فرانسه برای ملاقات نیکلای
دوم راه روسیه پیش گرفت (۱۵ ژوئیه).

ولی ناگهان عصر پنجشنبه ۲۳ ژوئیه ۱۹۱۴ وزیر مختار اطریش
هنگری در بلگراد انعام حجتی (اوتوماتوم) از جانب دولت خود بحکومت
صربستان فرستاد و جواب آنرا در ظرف ۴۸ ساعت خوانسار شد .
بموجب انعام حجت مزبور دولت صربستان ناگبر بود که رسماً از
تبدیلات ملی وطن پرستان ممالک بر ضد اطریش جلوگیری کنند و
جراتدوم مجالسی را که متهم بمخالفت با حکومت اطریش هنگری بودند توقیف
و تعطیل نماید و از صاحب منصبان کشوری ولشگری خود کسانی را که
دولت اطریش تعیین میکنند از خدمت خارج سازد و اجازه دهد که در
جلوگیری از اقدامات دشمنان اطریش هنگر و تحقیق در حادثه «سراپه و»
ماه و زین رسمی اطریش نیز مداخله کنند.

با آنکه قبول اتمام حجت اطریش مخالف استقلال صربستان بود دولت مزبور بدستور حامی خود روسیه در ۲۵ ژوئیه با تمام قسمتهای آن بجز قسمت اخیر یعنی مداخله مامورین اطریشی موافقت کرد و درین قسمت نیز درخواست نمود که موضوع بدیوان داورى لاهه یا مجمعی از نمایندگان دول معظم اروپا مراجعه شود . لیکن وزیر مختار اطریش نیرساعت پس از دریافت جواب صربستان بعنوان اینکه جواب مزبور قانع کننده نیست بلگراد را ترک گفت .

خروج سفیر اطریش از پایتخت صربستان سر اسراژووا راه ضارب و بریتان ساخت . دولت روسیه در همان روز ۲۵ ژوئیه رسماً بسار دول اطلاع داد که «حکومت روسیه در امر اختلاف اطریش و صربستان بیطرف نمیتواند ماند» . بر خلاف سفیر آلمان در فرانسه اظهار کرد بود که «موضوع اختلاف اطریش و صربستان امری خصموصیت و بیعت اتحاد و اتفاقی که بین دول معظم برقرارست قطعاً مداخله سایر دول نتایج بدخواهد داشت» .

معهذا وزیر خارجه انگلستان سر ادوارد گری با موافقت فرانسه در صدد برآمد که از ظهور جنگ جاوگسری کنر و پیشنهاد کرد که دول سه گانه اطریش و روسیه و صربستان از جهت سبب و اقدامات خصمه خود داری کنند نادول چهار گانه آلمان و ایتالیا و فرانسه و انگلیس که در صربستان منافع خاصی ندارند منفقاً در امر اختلاف ایشان مطالعه کرده راه حلی بیابند ولی دولت اطریش با این پیشنهاد روی موافقت نمود و در روز ۲۸ ژوئیه صربستان اعلان جنگ داده فردای آنروز بلگراد را گلوله باران کرد .

پس از آنکه دولت اطریش با صربستان از در جنگ در مداخله سایر دول
آمد تزار روسیه نیز امر بتجهیز سپاه داد . دولت آلمان هم در روز سیام تجهیزات اطریش و روسیه را بهانه



سیر ادوارد گری
وزیر خارجه انگلیس در آغار حاک

کرده از آندو پیروی نمود و فردای آنروز اتمام حجتی بروسیه فرستاد که در ظرف دوازده ساعت دست از تجهیز سپاه بردارد و چون تزار قبول این امر را ضعیف نشد در روز اول ماه اوت بآندولت اعلان جنگ داد .

در ۳۱ ژوئیه دولت آلمان اتمام حجتی نیز بفرانسه فرستاده بود که اگر در جنگ بیطرفی خواهد گزید قلاع تول و ووردن را موقتاً تا پایان جنگ بآلمان تسلیم کنند . ولی دولت فرانسه جواب داد که « بر طبق مصالح خویش رفتار خواهد کرد » و در روز اول ماه اوت بتجهیز سپاه پرداخت دولت آلمان نیز در روز سوم اوت بپهانه اینکه هوا پیمایان فرانسه برخی از بلاد سرحدی آلمان را گلوله باران کرده اند بآندولت اعلان جنگ داد . دولت آفریش هم در پنجم اوت با دولت روسیه و در ۱۱ آبان با دولت فرانسه رسماً از در جنگ درآمد . دولت ایتالیا که در ابتداء داشت موجب ماهدهای که در سال ۱۹۰۲ با فرانسه سینه بود بیطرفی اتخاذ کرد . دولت انگلستان نیز با آنکه ظاهراً با دول روسیه و فرانسه متحد بود از ورود جنگ اجتناب مینمود . زیرا حرب آزادیخواه که از سال ۱۹۰۵ زمام حکومت انگلستان را در دست داشت بصاحب بیشتر مایل بود و حتی الامکان سعی میکرد که بین آلمان و انگلیس روابط دوستانه ایجاد کند . مهندس صدر اعظم آلمان بتمان هدولف که از دخول انگلستان بک جنگ بصر داشت آندولت پیشنهاد کرد که در جنگ آلمان و فرانسه بیطرفی اختیار نماید و در عوض معاهده شد که هر گاه دولت آلمان فاتح شود دست تصرف را از فرانسه دراز نکند . ولی در باب مسعمرات فرانسه تمهیدی نمود و دولت انگلیس تزار قبول این پیشنهاد

که بقول سرادوار دگری « از لحاظ مادی مخالف مصالح انگلیس و از لحاظ معنوی مخالف شرافت آنمملکت بود » خودداری کرد .
دولت پروس و سایر دول معظم اروپا بموجب معاهدات
سالهای ۱۸۳۱ و ۱۸۳۹ بیطرفی دائمی بلژیک را ضمانت
کرده بودند . ولی چون بین فرانسه و آلمان آتش
جنگ زبانه کشید دولت آلمان این بیطرفی را نقض کرد و بتمان هلنوک
صدراعظم آنمملکت رسماً در ریشناک اظهار نمود که « هنگام ضرورت
قانون را رعایت نمیتوان کرد . شاید تا کنون قوای ما بخاک بلژیک
تجاوز کرده باشند و البته این امر مخالف حقوق بین المللی است .
ولی چون ملتی مانند ما مورد حمله خصم واقع شود و برای حفظ
آنچه نزد او از هر چیز مقدس تر است بجنگ پردازد البته باید بر طبق
مصالح خویش رفتار کند . »

دولت آلمان روز دوم ماه اوت یازدهم داشتی بحکومت بلژیک
فرستاده و عنوان اینکه فرانسویان میخواهند از طریق ژیره و نامور
با آلمان حمله کنند درخواست کرده بود که دولت مزبور بسپاهیان
آلمان در خاک خود اجازه عبور دهد و هرگاه مایل باشد با آلمان
معاهده دوستانه منعقد سازد .

ولی دولت بلژیک باین امر راضی نشد و سپاهیان آلمان در روز
۴ اوت بکامه لیرژ حمله بردند . در همان روز حکومت انگلیس بوسیله
سفیر خود اتمام حجتی بدولت آلمان فرستاد که اگر فوراً از تجاوز بخاک
بلژیک خودداری نکند با آن دولت بجنگ خواهد پرداخت . تمان
هلنوک در جواب سفیر انگلیس با تعجب گفته بود « زمانیکه حیات ما
از دو جانب در خطر است دولت انگلیس هم از قفا بر ما حمله
می آورد و عجب درینست که این حمله فقط برای کاغذ پاره است ! »

واژ کاغذ پاره مقصود او قرار داد بیطرفی بلژیک بود. سفیر انگلس چون مهلت انعام حجت که تا نیمه شب ه اوت بود بسر آمد بران را ترک گفت. بنا برین دول مرکزی آلمان و اطریش ناگزیر بودند که بتهائی علاوه بر صرستان و بلژیک با دولتهای سه گانه اتفاق مثلث یعنی فرانسه و انگلس و روسیه نیز بچنگند. در صورتیکه متحد دیگر ایشان ایتالیا و حلاف بیعاز بهانههای سیاسی در ۷ اوت بیطرفی اختیار کرد و فرانسه را که قوی ترین دشمنان دول مرکزی بود از جانب سرحد آلپ آسوده خاطر ساخت. در همان حال آلفونس سیزدهم پادشاه اسپانی هم بدولت فرانسه اطلاع داد که در جنگ بیطرف خواهد بود و از جانب جبال پیرنه خطری متوجه فرانسه نیست.

تا پایان ماه اوت دول مونتنگرو و ژاپن نیز بر ضد آلمان و اطریش وارد جنگ شدند ولی سایر دولتهای اروپا و آسیا و آمریکا بیطرفی اختیار کردند.

۲ - جنگهای سال ۱۹۱۴

جنگ بین المصلی را دول معظم اروپائی در زمانی قبل از ظهور آن پیش بینی کرده بودند. ولی گمان داشتند که این جنگ زود پایان خواهد رسید و منتهی شش ماه دوام خواهد یافت. تمام نقشه هائی هم که برای جنگ طرح کرده بودند مبتنی بر همین تصور بود و در نظر مطامعین تحمل جنگ طولانی برای ممالک صنعتی جدید امکان ناپذیر می نمود. میگفتند دولتیر که اکثر مردان آن از بیست ساله تا چهل ساله بید دست از کار کشیده بمیدان کارزار روند جنگی طولانی را چگونه تحمل نمایند کرد. جمعی نیز معتقد

بودند که چون جنگ در خانواده‌ها خصوصاً و در سراسر ممالک عموماً مشکلات اقتصادی بزرگی از قبیل قصار آذوقه و امثال آن تولید میکند اساساً دوام آن غیر ممکنست. عده کسانی که مانند قلدمارشال مولتکه وارد کپنر معتقد بطولانی شدن جنگ بودند بسیار قلیل بود. مولتکه عقیده داشت که عظمت منابع صنعتی و اقتصادی دول معظم جدید پایه است که میتواند چندین سال جنگ را ادامه دهند و میگفت هیچیک از دول بزرگ اروپا در يك يادو جنگ از پای در نخواهد آمد که تا مجبور باظهار عجز و قبول شرائط سنگین صلح شود. کپنر هم معتقد بود که دوام جنگ « یا سه هفته است یا سه سال ».

چون در جنگ بین‌المللی حیات سیاسی و استقلال ملی در خطر بود هر يك از طرفین تمام قوای مادی و معنوی خویش را در طریق فتح بکار برد. از سال ۱۹۱۴ تا سال ۱۹۱۸ دولت آلمان قریب چهارده میلیون و دولت فرانسه قریب هشت میلیون سپاه بمیدان جنگ فرستاد. دولی مانند انگلستان و امریکا هم که تا آن زمان تشکیل سپاه اجباری را لازم نمیشمردند ناچار بدین امر راضی شدند. مخصوصاً در آلمان و فرانسه ماشین جنگ با دقت و نبات تعجیبی کار میکرد. چند تلگراف مختصر چرخ قدرت جدید را بگردش آورد. میلیونها مرد در بهترین موسم زندگانی دست از کار زراعت و فلاحات و کارگری و کسب و غیره کشیده بجانب لشکرگاهها شتافتند تا از آنجا بسرحداث مملکت روند و همگی مطمین بودند که بزودی با وطن خویش باز خواهند گشت.

در جنگ بین‌المللی علاوه بر سپاهیان طرفین افراد ملی متحارب نیز عموماً شرکت کردند و میزان استعداد و قوه تحمل خویش را هنگام تصفیة حسابهای سیاسی نشان دادند. این جنگ را از لحاظ

وسعت میدان و کثرت عده سپاهیان و مقدار مخارج با هیچیک از جنگهای گذشته مقایسه نمیتوان کرد. میدان جنگ بین الملی فی الحقیقه از اطراف محدود برودهای اسکوا^۱ و ویستول^۲ و دانوب^۳ واردن^۴ و فرات بود. علاوه برین قوای بحری طرفین نیز در غالب اقیانوسها و دریاها با یکدیگر در زد و خورد بودند. طول میدان جنگ مارن^۵، شرح آن خواهد آمد، بتنهائی از ۴۳ فرسنگ میگذشت. عده لشکریانی که متحدین و متفقین در آغاز جنگ تجهیز کردند بالغ بر ۹۱۰۰۰۰۰ بود و بتدریج برین عده بمراتب افزوده شد و دولتی هم که سالهای بعد بطرفین پیوستند سپاه قراوانی بمیدان جنگ فرستادند. بموجب نقشه ای که کنت شلیفن^۶ رئیس کل ارکان حرب آلمان در اواخر قرن نوزدهم کشیده بود و شخص ویلهم دوم و بتمان هولوک و رؤسای ارکان حرب دوآلمین آلمان و اطریش ملتکه و هوتزن دورف^۷ نیز در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۱۴ در جلسه محرمانه پتسدام^۸ آنرا تصویب کرده بودند، دولت آلمان میخواست باب جنگ را با حمله سختی بخاک فرانسه مفتوح سازد و تا دولت روسیه بنجهیز و جمع آوری قوای خویش مشغولست فرانسه را از پای در آورد و چون دشمن غربی ناچیز شد با کمک قوای اطریش بانجام کار روسیه پرداختند. بنا بر نقشه مذکور دولت آلمان هفت دسته سپاه که مجموع افراد آن بالغ بر ۱۴۰۰۰۰۰ تن بود مأمور حمله بخاک فرانسه کرد. ریاست کل ارکان حرب آلمان در آغاز جنگ با ژنرال ملتکه برادر زاده فاتح معروف جنگ ۱۸۷۰ بود. سردار مذکور بموجب نقشه شلیفن از هفت دسته سپاه آلمان پنج دسته را بشمال قلعه مستحکم مس

۱. Escant - ۱
 ۲. Vistule - ۲
 ۳. Danube - ۳
 ۴. Jourdain - ۴
 ۵. Schlieffen - ۵
 ۶. Marne - ۶
 ۷. Potsdam - ۷
 ۸. Hötzen-dorf - ۸

فرستاد تا در فاصله بلاد اکسلاشاپل^۱ و ترو^۲ گرد آمده از طریق بلژیک و لوگزامبورن^۳ ایالات شمالی فرانسه را بتصرف آورند و بانگاه قلعه مس بجانب چپ متوجه شده راه پاریس پیش گیرند و قوای فرانسه را بسرحدات شرقی آن مملکت برانند تا در آنجا حمله دو دسته سپاه دیگر آلمان که از جنوب قلعه مس بفرانسه حمله میکردند دچار شود و تکلی از پای در آید . اداره ارکان حرب آلمان گمانداشت که بدین طریق قوای فرانسه را دوسرحدات شرقی شکستی سخت خواهد داد و بفتحی نظیر فتح سدان نائل آمده دشمن غربی را بتربك جنك^۴ مجبور خواهد ساخت .

نصرف ایالات شمالی فرانسه از طریق بلژیک و لوگزامبورك مستلزم تقض بیطرفی ایندو دولت كوچك و ایجاد خطر ورود انگلستان بجنك بود ، ولی كنت شلیفن در نقشه خود تصریح کرده بود که بدین دو امر اهمیتی نباید داد و سپاهیان آلمان را بیجهت در تصرف قلاع مستحکم جدید فرانسه دوسرحدات شرقی ، مانند وردن و تول و اینال^۵ و بلفور^۶ و غیره معطل نباید کرد . علاوه برین اصولا دولت آلمان عالمی چند ورود انگلستان را بجنك بعید میدانست . یکی آنکه قوای بحری آلمان فوق العاده ترقی کرده بود و با قوای بحری انگلیس مقابله میتوانست کرد . دیگر آنکه انگلستان در آغاز جنك بین الملل گرفتار کشمکشهای ایرلند و جنك داخلی بود ، گذشته ازین جمله اولیای دولت آلمان گمان نمیکردند که بقول بتمان هلوک دولت انگلیس فقط برای « کاغذپاره ای » از آسایش صلح چشم پوشیده خود را بخطر اندازد و با ایشان از در جنك در آید .

نقشه فرانسه نیز این بود که حمله قوای آلمان را با حملات

۱ - Aix-la-Chapelle - ۲ - Trèves

۳ - Belfort - ۴ - Epinal - ۵

تعرضی جواب گوید . چه پس از جنگهای شوم تدافعی ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱ فرانسیان محقق شدد بودند که جنگ ایسنی حتی الامکان تعرضی باشد و حمله شدید بخاک خصم را واجب میسر دهند . قوای فرانسه مرکب از پنج دسته سپاه بود که بایستی در سرحدات آمده قسمتی از شمال قلعه مس و قسمت دیگر از جنوب آن قلعه بخاک دشمن حمله برند .

نقشه جنگی فرانسه را ژنرال ژوفر^۱ رئیس ارکان حرب فرانسه در بهار سال ۱۹۱۳ طرح کرده بود درین نقشه حمله سپاه آلمان را از طریق بلژیک و لوگزامبورگ پیش بینی نکرده بود . معینا ژنرال مزبور نقشه دیگری نیز کشیده بود که اگر قوای آلمان از طریق بلژیک و فرانسه حمله برند آنها اجرا کنند و این نقشه مبنی بر گرد آوردن قوای فرانسه در سرحدات شمالی بود .

توپخانه فرانسه در آغاز جنگ توپهای سبک ۷۵ میلیمتری داشت یعنی توپهایی که قطرهاه لوله آن ۷۵ میلیمتر بود . و بالتوپهای ۷۷ میلیمتری آلمان برابری میکرد . وای سپاهیان آلمان توپهای سنگین صحرائی و توپهای مخصوص قلعه گیری و خمپاره اندازهای قوی ۱۵۰ و ۲۱۰ میلیمتری نیز داشتند که تیررس آنها زهنت کیلومتر منبجوز بود . علاوه برین در حتما توپهای قلعه گیری زرنگی مانند توپهای ۳۰۵ میلیمتری اضربتی و خمپاره اندازهای ۴۲۰ میلیمتری نیز ساخته بودند که گلوله های بوزن ۹۳۰ کیلو گرم (متجاوز از سه خروار) را بدوازده کیلو متری (قریب دو فرسنگ) می انداخت و محکمترین دفاع را در ظرف چند روز ناچیز میکرد .

جنگ فرانسه و آلمان فی الحقیقه با دو حمله مختلف
 آغاز شد . یکی حمله فرانسیویان به آلتزاس که دوبار
 حمله سپاه آلمان
 بخاک بلژیک
 شهر مولهوز^۲ را تصرف آوردند و از هشتم تا نوزدهم

ملا اوت) واز دست دادند . دیگری حمله قوای آلمان بخاک بلژیک و تصرف لیژ^۱ شهر لیژ که راه ورود سپاه آلمان را بخاک بلژیک مسدود میکرد در ۷ اوت بتصرف قوای آندولت درآمد و ژنرال لودندورف^۲ در تصرف این شهر لیاقت بسیار نمود . پس از تسخیر لیژ قریب يك ميليون سپاه آلمانی از رود موز^۳ گذشته وارد خاک بلژیک شدند و حکومت بلژیک ناچار بشهر آفورا^۴ انتقال یافت . در روز یستم اوت لشکریان آلمان شهر بروکسل پایتخت بلژیک را هم بتصرف آوردند و در همانروز دسته‌ای از سپاهیان آلمانی مأمور فتح قلعه نامور^۵ شده تا ۲۵ اوت آنقلعه را نیز تسخیر کرد .

پس از آنکه قوای آلمان قسمت مهمی از خاک بلژیک را تسخیر کرده و بسرحده فرانسه نهادند و ایالات شمالی فرانسه ژنرال ژوفر که دسته‌های سوم و چهارم و پنجم سپاه خود را در سرحدهات شمال گرد آورده بود درصدد برآمد که بکیمک^۶ ۷۰۰۰۰ سپاه انگلیسی از پیش آمدن ایشان جلو گیری کند . پس لانگل دوکاری^۷ سردار سپاه چهارم فرانسه را مأمور کرد که قلب قوای دشمن را درهم شکسته از پهلو بر جناح راست قوای آلمان حمله برد . ولی سپاه چهارم فرانسه بعزت مساعد نبودن موقع طبیعی میدان جنگ بدینمقصد نائل نیامد و در ۲۲ و ۲۳ اوت از سپاه چهارم آلمان که دو لودوورتانبر^۸ فرمانده آن بود شکستی سخت یافته بجانب رود موز عقب نشست . در همانحال سپاه سوم فرانسه هم که سرداری روفه^۹ با سپاه پنجم خصم که ولیعهد آلمان فرمانده آن بود میجنگید در حوالی شهر لنوی^{۱۰} شکست خورده منهزم گشت .

سپاه پنجم فرانسه در ناحیه غربی خط جنگ مأمور بود که با

.Meuse - ۳	.Ludendorff - ۲	.Liège - ۱
.Langie de Cary - ۲	.Namur - ۵	.Anvers - ۲
.Longwy - ۴	Ruffey - ۸	.Duc de Wurtemberg - ۶

کمک سپاهیان انگلیس و بلژیک قوای دشمن را از پیش آمدن بازدارد ولی ژنرال لانرهزا^۱ فرمانده این سپاه نیز پس از آنکه دو روز با دشمن مصاف داد چون خود را میان دو سپاه اول و سوم آلمان در خطر دید ناچار عقب نشست. در همان روز مارشال فروچ^۲ سردار انگلیسی نیز از سپاه اول آلمان که ژنرال ون کلوک^۳ فرمانده آن بود شکست یافته بجانب رود سم^۴ و جنوب غربی متواری شد.

پس از شکست سپاههای سه گانه فرانسه راه آنمملکت بر لشکریان آلمان باز شد و ژنرال ژوفر برای اینکه بتواند قوای خویش را برای حملات تعرضی جدید آماده سازد ناچار فرمان عقب نشینی داد. ضمناً سپاه تازه ای بنام سپاه ششم بسرداری ژنرال مونوری^۵ تشکیل کرد بناحیه پیکاردی^۶ فرستاد. و چون قوای دشمن با سرعت پیش می آمد هیئت دولت فرانسه حکومت پاریس را ژنرال عالی^۷ قانع ماداگاسکار سپرده خود راه بندر بر دو^۸ پیش گرفت.

سپاهیان آلمان با شتاب فراوان در خاک فرانسه پیش می آمدند و مخصوصاً سپاه اول که ون کلوک سردار آن بود چنان با سرعت حرکت میکرد که تا روزی ۲۰ کیلومتر (قریب شش فرسنگ و نیم) راه می پیمود. ولی چون مقصود سرداران آلمان محاصره قوای فرانسه و درهم شکستن آن بود تصرف پاریس توجهی نکردند و ون کلوک چون در سوم سپتامبر نزدیک پایتخت فرانسه رسید جنوب شرقی توجه شده از رود مارن گذشت و سپاه پنجم فرانسه را دنبال کرد.

در همان حال سپاه اول و دوم فرانسه که در ناحیه آلزاس از حملات خود نتیجه ای نگرفته بودند در روز ۱۴ اوت وارد خاک

۱. Kluck - ۲
۲. Picardie - ۲

۳. French - ۲
۴. Maunouy - ۴

۵. Lanrezac - ۱
۶. Somme - ۱
۷. Bordeaux - ۷

لرن شدند . ولی سپاه دوم در ۲۰ آناه از سپاه ششم و هفتم آلمان
که ولیعهد باویر فرمانده آن بود شکست سخت خورد و سپاه اول
نیز بفتح مهمی نال با آمده ناچار بجانب ساحل یسار رود مورت^۱
عقب نشست .

جنگ مارن وضع سپاههای پنجگانه آلمان بواسطه شتابی که سرداران
آلمانی در پیشرفت داشتند برخلاف انتظار فرمانده کل
سپاه فرانسه در آغاز ماه سپتامبر چنان بود که فرانسویان میتوانند
بآسانی بر جناح راست آن حمله کنند . ژنرال ژوفر در آغاز امر
ازین وضع مناسب غافل بود . ولی گالی بینی حاکم پاریس او را آگاه
ساخت و بر آن داشت که از روز ششم سپتامبر سپاهیان فرانسه را از
عقب نشستن باز داشته فرمان حمله دهد .

در جنگ سیختی که بواسطه حمله فرانسویان در حوالی رود
مارن روی داد و بدین واسطه جنگ مارن معروفست . سپاههای پنجگانه
آلمان مغلوب شده ناچار عقب نشستند و درین جنگ عظیم محاربانانی که
بین سپاه ششم فرانسه و سپاه اول آلمان در نواحی رودخانه کوچک اورک^۲
و میان سپاههای پنجم و نهم فرانسه (که جدیداً بسرداری ژنرال فشی^۳
تشکیل شده بود) و سپاه سوم آلمان در اراضی فرشاءپنواز^۴ ، و
بین دو سپاه سوم و چهارم فرانسه و سپاه چهارم آلمان در حوالی قریه
روین بی^۵ روی داده سخت مشهور است .

سپاهیان آلمان در نتیجه شکستی که در جنگ مارن بریشان وارد
آمد فقط تا رود این^۶ عقب نشستند و فرانسویان بواسطه ضعف و فرسودگی
از عهده ساقب آنان بر نیامدند . ولی پایتخت فرانسه از خطر نجات
یافت و نقشه جنگی آلمان باطل شد و بنیان فتحی که ویلهم دوم

۱ - Mourt . ۲ - Fore-Champenoise . ۳ - Revigny . ۴ - Aisne . ۵ - Pooh . ۶ -

بدان امید کامل داشت سست گشت .

پس از آنکه قوای آلمان در جنگ مارن مغلوب
 شد و در مشرق نیز سپاهیان آندولت فتح شهر
 فانیسی^۱ نائل نیامدند ، دولت مزبور در صدد

حدیثه قوای آلمان
 سواحل دریای شمال

بر آمد که بشمال بلژیک حمله برد و بتصرف بندر آنور پادشاه بلژیک و
 تمام سپاه آندولت را که در آن بندر بودند اسیر کند و پیش از منفقین
 خود را بسواحل دریای شمال رسانیده بر نادر دو نکرک^۲ و کاله^۳
 و نیگه پادو کاله دست بابدور و رابط فرانسه و انگلیس را ازین طریق مقطوع سازد .
 پس هنگامی که سپاههای پنج گانه آلمان در حوالی رود ان بسا
 دشمن مشغول زد و خورد بودند قسمت مهمی از قوای آندولت برای انجام مقصود
 سابق الذکر بنواحی شمالی بلژیک حمله برده علاوه بر بلا-لیژ و ناور
 و موبوژ^۴ که تا آن زمان بتصرف آلمان در آمده بود (از ۲۶ اوت تا
 ۷ سپتامبر) بندر آنور را هم که آخرین پناهگاه دولت بلژیک بود تسخیر
 کردند (۲۸ سپتامبر تا ۹ اکتبر) . ولی پادشاه بلژیک اقرباً ۸۰۰۰
 سپاهیش از سقوط آن بندر خود را از محاصره نجات داده بحوالی رود
 کوچک ایزره^۵ گریخت . پس از آن اشکریان آلمان بعزم تسخیر دو نکرک
 و کاله رو بسواحل دریای شمال نهادند و محاربات سختی بین ایشان و
 قوای فرانسه و انگلیس روی داد که قریب یکماه دوام یافت (۲۰ اکتبر
 تا ۱۷ نوامبر) و عاقبت سپاهیان آلمان با آنکه شهر ایپور^۶ را با گلوله توپ
 ویران کردند بواسطه پایداری و کوشش و مهارت ژنرال فشر فرمانده
 قوای متفقین بتصرف آن شهر و انجام مقصود و رفتن لشکر و دولت آلمان
 ناچار از منظور خود چشم پوشید .

۱. Calais -

۲. Dunkerque -

۳. Nancy -

۴. Ypres -

۵. Yser -

۶. Maubeuge -

ولی در همان حال بسیاری از بلاد فرانسه مانند لیل^۱ و پرون^۲ و نویون^۳ بتصرف دشمن درآمده شهرهای سواسن^۴ و رنس^۵ نیز در معرض خطر بود.

سپاهیان اطریش که از ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ در صربستان جنگ در جبهه شرقی بگلوله باران کردن شهر بلگراد پرداخته بودند تماماً دسامبر آنسال بتصرف شهر مزبور نائل نشدند و برخلاف تصور حکومت اطریش، که گمانداشت بزودی دولت صربستان را از پای در خواهد آورد، دو بار از قوای آندولت شکست یافتند و یکبار نیز سپاه صربستان چنان بریشان غالب شد که بخاک بسنی تجاوز کرد. دولت آلمان زمانی که بروسیه اعلان جنگ داد گمان میکرد که تجهیز سپاه در آن مملکت بزودی انجام پذیر نیست و بهمین گمان فقط سپاه هشتم خود را که عدد افراد آن بالغ بر ۲۲۰۰۰۰ تن بود با ۷۷۴ توپ مأمور حفظ سرحدات پروس شرقی کرد ولی دولت روسیه برای اینکه زود تر بفرانسه کمکی کند از ۱۵ مایا اوت بر پروس شرقی حمله برد و شهر ممل^۶ را با آسانی گرفت و سپاهیان روسی از رودنی یهمن^۷ نیز گذشتند.

دولت آلمان برای اینکه از حمله قوای روس جلوگیری کند سرعت قسمتی از سپاهیان خویش را از جبهه غرب پروس شرقی انتقال داد و فرماندهی سپاه هشتم را یکی از سرداران معروف خود کلنل ژرال ون هیندنبورگ^۸ سپرده سردار معروف دیگر ژرال لودندورف^۹ را نیز بریاست ارکان حرب سپاه مزبور گذاشت. هیندنبورگ و لودندورف با مهارت تام بردارسته سپاه روس که از مشرق و جنوب شرقی

.Noyon - ۲	.Péronne - ۲	Lille - ۱
.Memel - ۲	.Reims - ۵	.Soisson - ۳
.Ludendorff - ۹	.Hindenburg - ۸	.Niémen - ۷

بر پروس تاخته بودند حمله بر ده یکی را دره محل تاننبرگ^۱ (۲۴ تا ۲۹ اوت) و دیگری را در حوالی دریاچه‌های مازوری^۲ (۸ تا ۱۰ سپتامبر) درهم شکستند. از سپاه دوم روس که در محل تاننبرگ شکست یافت قریب ۹۰۰۰۰ اسیر و ۳۵۰۰ توپ و مقدار کثیری غنائم جنگی بدست قوای آلمان افتاد و سپاه مزبور بکلی نابود شد. چنانکه سانسونف^۳ سردار آن زندگی را بر خود حرام شمرده انتحار کرد. از سپاه دیگر نیز لشکریان آلمان قریب ۵۰۰۰ اسیر و ۱۵۰۰ توپ بقیامت بردند.

در جنوب برخلاف لشکریان روس در اطریش پیشرفت کردند و قوای آندولت را در محل لمبرگ^۴ شکستی سخت داده (۳ تا ۱۱ سپتامبر) وارد خاک گالیسی^۵ شدند و تا حوالی جبال کارپات^۶ پیش رفتند. چنانکه اگر قوای آلمانی یاری اطریشیان نمیرسیدند هیندنبورگ و اودندرف با قوای خود بلهستان حمله نمی بردند بمر آن بود که دولت اطریش هنگری در آغاز جنگ از پای در آید.

پس از فتح تاننبرگ و دریاچه‌های مازوری چون وضع سپاه اطریش چنانکه گفتیم در گالیسی سخت شده بود. ارکان حرب کل آلمان قسمت مهمی از سپاه هشتم را بنام سپاه نهم بفرماندهی هیندنبورگ مامور کرد که بلهستان حمله برد. تا قسمتی از قوای روس بدین طرف متوجه شوند و از فشاری که در گالیسی بر قوای اطریش وارد آورده بودند بکاهد. هیندنبورگ با رئیس ارکان حرب سپاه خود اودندرف بلهستان حمله برد (۲۸ سپتامبر) و تا حوالی ورشو پیش رفت. لکن در همان اوان فرمانده کل قوای روس گراندوک^۷ فیکلائیک لایویچ^۸ عم تزار پس از آنکه سپاه اطریش را در گالیسی عقب نشانند. قسمت اعظم

۱ - Tannenberg. ۲ - Lacs de Mazurie. ۳ - Sunson.

۴ - Lemberg. ۵ - Galicie. ۶ - Carpathes.

۷ - Nicolas Niolaiewitch. ۸ -

لشکریان خود را به استان فرستاد و از اطراف بر سپاه نهم آلمان حمله برده آنرا تا حوالی سیلزی آلمان بازراند و بیم آن بود که سیلزی یعنی یکی از بر فائده ترین ایالات آلمان بتصرف قوای روس در آید، ولی بی نظمی سپاه روس و مهارت و تدبیر سرداران آلمانی مانع این خطر گشت. خاصه که در همان ایام نقشه مقاصد دشمن و صورتی از وضع سپاه و میزان قوای آن از جیب صاحب منصب روسی مقتولی بدست فرمانده سپاه آلمان افتاد. بعلاوه بواسطه بی احتیاطی ارکان حرب سپاه روس غالباً دشمن اسرار لشکری ایشان را بدست می آورد و فرمانده قوای آلمان بوسیله متخصصین از تلگرافات مرموزی که سردار روسی با اداره ارکان حرب کل روسیه و سایر مقامات لشکری آن ممالک با دستگاههای بی سیم مخابره میکرد آگاه میشد.

ارکان حرب کل آلمان از اول نوامبر ۱۹۱۴ هیندنبورک را بریاست کل قوای آلمان در جبهه شرق برگزید و لودندرف را نیز بریاست ارکان حرب قوای مزبور گماشته فرماندهی سپاه نهم را بر تئرال هاکنزن^۱ سردار معروف دیگر سپرد. سرداران سه گانه از ۱۱ نوامبر مجدداً در خاک لهستان بر دشمن حمله کردند و با آنکه یکبار سپاه نهم آلمان در جنوب شرقی شهر لدنز^۲ تقریباً در محاصره دشمن واقع شد، قوای عظیم روس را شکستی سخت داده جمعی اسیر و بقصداری غنائم جنایی بدست آوردند (۲۴ و ۲۵ نوامبر) سپاه اطریش و هنگری نیز در جنوب کراکوی^۳ بر قوای روس غلبه کرد (۱۲ دسامبر) و بالاخره راه حمله لشکریان تسار با آلمان و اطریش مسدود شد و هر یک از طرفین از دریای بالتیک تا سرحد رومانی خندقهایی کنده در محل خود توقف گزیدند.

جنگهای بحری
در سال ۱۹۰۴
در سال ۱۹۱۴ جنگ بحری مهمی روی نداد و بر
خلاف تصور عموم سفائن جنگی انگلیس و آلمان
از بنادر خویش کمتر خارج شدند. دولت انگلیس نیز

در آغاز جنگ بسیاوت بحر شمال و حفظ روابط بحری امریکا با ممالک
غربی اروپا قناعت کرد و قوای بحری خویش را بیشتر در حمل و نقل
سپاه و حمایت کشتیهای تجارتمی خود و محافظت سواحل مملکت بکار برد.
دولت آلمان نیز از جنگهای بزرگ بحری اجتناب نمود و برای
قطع روابط انگلیس و فرانسه در دریای مانس نیز کوششی نکرد. چه
بگمان و نگرانی نیز فرمانده کل قوای بحری آلمان وجود سفائن
جنگی آن مملکت برای حفظ سواحل دریای شمال و دریای بالتیک از
حملات ناگهانی دشمنان لازم بود و هر گاه سفائن مزبور از بنادر بعزم
جنگ بحری خارج میشدند دولت آلمان ناگزیر بود که عده کثیری
از سپاه خود را به محافظت سواحل ممالک گمارد. علاوه برین
ملاحظات سیاسی نیز مانع اقدام دولت آلمان بمحاربات عظیم دریائی
بود و بتمان هلوک گمان داشت که از قوای بحری هنگام عقد معاهده
صلح بیشتر استفاده میتواند کرد.

مراکز عمده سفائن جنگی آلمان در دریای شمال بندر ویلهلمسهافن^۱
و در دریای بالتیک بندر کیل^۲ و داننزیگ^۳ بود و کشتیهای آن دولت
غالباً از نرعه امپراطور ویلهلم (در جنوب شبه جزیره دانمارک) از دریائی
بدریای دیگر میرفتند.

از آغاز جنگ دولت روسیه کشتیهای جنگی خود را
بخلیج فنلاند برد و از آن پس طریق ارتباط آن دولت با دریاهای آزاد
براه اقیانوس منجمد شمالی منحصر شد. بنا برین رابطه تجارتمی

۱ - Kiel

۲ - Wilhelmshafen

۳ - Von Tschitz

۴ - Dantzig

آلمان با دولت سوئد محفوظ ماند و توانست ازینراه تاحدی از مواد غذایی و معدنی آن مملکت استفاده کند .

از جمله جنگهای دریائی معروف سال ۱۹۱۴ یکی جنگ هلی گولاند^۱ است که در ۲۸ ماه اوت روی داد و در آن جنگ سه فرونداز کروازر^۲ های کوچک آلمانی غرق گشت . ولی یکماه بعد تحتالبحریهای آلمان نیز در دریای شمال سه کروازرانگلیسی را غرق کردند . در اول نوامبر هم پنج کروازر آلمانی در محل کورونل^۳ (واقع در ساحل شیلی) بادستهای از سفائن جنگی انگلیس مصادف شده دو کروازر بزرگ انگلیسی را معدوم ساختند . لکن چندی بعد در هشتم دسامبر همان پنج کروازر در حوالی جزائر فالکلاند^۴ گرفتار عدهای از کشتیهای جنگی انگلیس شدند و فقط یکی از آنها جان بدر برد .

علاوه برین کروازرهای کوچک و سریع السیر آلمانی بسیاری از سفائن جنگی و تجارتمی متفقین را غرق کردند و از آنجمله یکی کروازر معروف *Emden*^۵ است که در اقیانوس کبیر و اقیانوس هند بسیاری از سفائن متفقین را نابود ساخت و مخصوصاً بدولت انگلیس صدمات بسیار زد . و عاقبت خود نیز در نهم نوامبر در حوالی جزائر کوکس^۶ (واقع در خلیج سنگاله) گرفتار یکی از سفائن جنگی استرالیائی شده غرق گشت .

در همانحال تحتالبحریها نیز خدمات فراوان انجام میدادند. دولت آلمان در آغاز جنگ ۲۸ تحتالبحری داشت و با این عده بسیاری از سفائن انگلیس را از میان برداشت . چنانکه در ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۴

۱ - Heugoland .

۲ - Croiseur (کشتی جنگی سریع السیر که غالباً راهسای سفائن جنگیست .)

۳ - Coronel . ۴ - Falkland . ۵ - Emden . ۶ - Cocos .

یکی از تحت‌البحریهای آندولت سه کروازر بزرگ انگلیسی را که گنجایش هر يك قریب چهل هزار خروار بود غرق کرد .
در ماه نوامبر ۱۹۱۴ دولت انگلیس مملکت آلمان را از جانب دریای شمال محاصره کرد و از عبور کشتیهای تجارتی که آذوقه با مملکت میبردند جلوگیری نمود و فی الحقیقه بچنگ تجارتی پرداخت .
حکومت آلمان نیز از ۴ فوریه ۱۹۱۵ دریاهای اطراف جزائر برتانی کبیر و ایرلند را از جمله مناطق جنگی شمرده اخطار کرد که هر يك از سفائن تجارتی و جنگی متفقین یا دول بیطرف را که بدین منطقه وارد شود غرق خواهد نمود .

پس از محاربه فلاندر جنگ در جبهه غرب
آغاز محاربات
صورت دیگر یافت و طرفین طرز جنگیدن
حدتی در جبهه غرب
معمولی خویش را که مستلزم حرکات دائمی
سپاه بود رها کرده خندقها گسندند و در آن متمکن شدند .
خندق در ضمن جنگ و متکی ساختن سپاه بدان از سال
۱۹۰۴ در جنگهای روس و ژاپن معمول شده بود . ولی سرداران دول
معظم اروپا معتقد بودند که تا سپاه دائماً در حرکت نباشد بر دشمن
غلبه نمیتواند کرد و محاربات خندقی را نشانه ضعف و ناتوانی
سپاه میشمردند .

در آغاز جنگ بین‌المللی هم بهیچوجه سخنی از جنگهای خندقی
در میان نبود ، لکن دیری نگذشت که طرفین اختیار اینگونه جنگ را بر خود
لازم دیدند و در اندک مدتی محاربات صورت دیگر گرفت .
از ماه نوامبر ۱۹۱۴ سپاهیان آلمان و فرانسه و انگلیس در
جبهه غرب بحفر خندقهایی پرداختند که از دریای شمال تا سرحد
سویس یعنی قریب صد فرسنگ (۷۰۰ کیلومتر) امتداد یافت . سپس در آن

خندقها مقابل یکدیگر متمکن شدند . در جنگهای خندقی مهمترین
 اسلحهها فی الحقیقه بیاد و کزند بود و سپاهیان لاینقطع خاصه هنگام شب
 بجز زمین مشغول بودند . کم کم اهمیت اینگونه جنگ بجائی رسید
 که طرفین در خط توقف خویش چندین رشته خندق کنند و آنها
 را بوسیله راههای مخصوص با یکدیگر مربوط ساختند و در مقابل
 هر رشته خندقی برای جلوگیری از حملات ناگهانی خصم سیمهای
 خاردار کشیدند و گاه نیز در اطراف خود استحکاماتی قلمه مانند
 بنا کردند . در همانحال هر یک از دو طرف برای آنکه روابط لشکر گاه
 خود را با مراکز سیاسی و لشکری مملکت محفوظ دارد خطوط
 آهن و تانگراف و تلفن را تا پشت خندقها ممتد ساخت و چون
 در جنگ خندق از تفنگ و توپهای سبک استفاده کامل نمیشد طرفین
 دست توپهای مسلسل (میترا لیوز) و توپهای سنگین بردند . به علاوه
 چون گاه خندقهای دو طرف بیش از چند ذرع از یکدیگر دور نبود
 استعمال بمب و نارنجک هم متداول گشت . هواییمائی نیز درین
 جنگها برای کشف مواقع دشمن و هدف ساختن آن با توپهای سنگین
 اهمیت بسیار یافت و طیارهها از هر سو بتفتیش لشکر گاه خصم و عکس
 برداری پرداختند . بالنتیجه هر یک از دو طرف برای اینکه هوا
 ییمایان دشمن را فریب دهد جلیلههای گوناگون از قبیل حفر خندقهای
 دروغی و مستورد داشتن توپخانه و لشکر گاه با ابرهای مصنوعی و سرنک
 خاک و چمن در آوردن توپها و سایر آلات حرب متوسل شد ، چنانکه
 میدان جنگ هر ساعتی چون صحنه تأثیر تغییر میکرد .
 بنابراین جنگ صورتی گرفت که موجب دوام آن بود .
 از آنس اقدام تصمیمات فوری امکان پذیر می نمود و در آن محاصره
 بری عاقبت شکست متوجه آنطرفی می شد که در آذوقه و ذخائر

جنگی پیش از حریف نهی دست شود . بهمین سبب نیز وضع ممالک مرکزی اروپا که از هرسو در محاصره قوای بحری و بری دشمن بودند بمراتب از وضع ممالک فرانسه و انگلیس که با سایر دول عالم و خاصه با ممالک متحده امریکا رابطه داشتند سخت تر و بخطر نزدیکتر بود .

محاربات سال ۱۹۱۵

در ظرف سال ۱۹۱۵ دول مرکزی اروپا بیشتر جنگهای جبهه غربی قوای خود را در جبهه شرقی بکار بردند . چه ارکان حرب کل آلمان برخلاف نقشه پیشین خود مصمم شده بود که درین سال نخست با چند حمله سخت روسیه را از پای در آورد و از آنپس بانجام کار دشمنان غربی پردازد . ولی متفقین برخلاف سعی میکردند که قسمت اعظم سپاه آلمان را در جبهه غربی سرگرم دارند و بدینوسیله ارکان حرب کل آندوات را از فرستادن قوای مهمی بجبهه شرقی مانع شوند . ضمناً در ازدیاد قوای لشکری و تهیه اسلحه و توپخانه جدید نیز میکوشیدند و قصدشان این بود که با قوای عظیمی بردشمن حمله برده حتی الامکان اراضی فرانسه و بلژیک را از تصرف او خارج کنند .

از جمله محاربات مهمی که در ماههای اول سال ۱۹۱۵ روی داد یکی جنگ شامپانی است که آنرا بمناسبت جنگ بزرگ دیگری که در اواخر همین سال در شامپانی واقع شده « جنگ اول شامپانی » مینامند (اواسط فوریه تا اواخر مارس) . درین چهاره هیچیک از طرفین پیشرفت مؤثری نکرد . ولی عمده تلف شدگان و اسرای فرانسوی (۴۷۸۰۰ تن) بیش از اسیران و تلف شدگان آلمانی (۳۵۳۰۰ تن) بود .

جنگ مهم دیگر در نواحی ایبر روی داد و آنرا بمناسبت جنگی که سال پیش در همین محل واقع شده بود جنگ دوم ایبر میگویند (۱۷ آوریل تا ۱۷ مه). درین جنگ سپاهیان آلمان برای درهم شکستن قوای خصم گاز خفه کستنده بکار بردند و چون استعمال اینگونه گاز تا آنزمان سابقه نداشت در لشکریان فرانسه و انگلیس، که در آن ناحیه بیشتر از اهالی الجزیره و کانادا بودند، خوف و تشویش عظیمی پدید آمد و شکست دریشان افتاد. ولی دوران استفاده قوای آلمان از گاز مزبور کوتاه بود. چه علمای شیمی فرانسه و انگلیس در ظرف یکماه ونیم نقای اختراع کردند که افراد سپاه را از آسیب گاز خفه کننده محفوظ میداشت.

پس از محاربات ماههای آوریل و مه جبهه غربی یکچند نسبتاً آرام بود. درینمدت طرفین بتهیة لشکریان جدید و لوازم جنگ مشغول بودند. و مخصوصاً در آلمان و فرانسه و انگلیس کارخانهای اسلحه سازی و توپ ریزی با سرعت فراوان کار میکرد. دولت انگلستان نیز درینمدت بر عده لشکریان داوطلب خویش افزود و سپاه فراوانی هم از مستعمرات خود تهیه کرد. چنانکه در تابستان ۱۹۱۵ قوای جدیدی بنام سپاه سوم از انگلستان بهرآنسه آمد و در جبهه جنگ پشتیان سپاهیان سابق انگلیس گشت.

در تابستان سال ۱۹۱۵ اوضاع جنگ چنان بود که حمله سخت منفقین را بر قوای دشمن در جبهه غربی ایجاب میکرد. چه از طرفی ژوفر رئیس کل ارکان حرب فرانسه وعده داده بود که در آنسال اراضی فرانسه و بلژیک را از وجود سپاهیان خصم پاک کند و از طرف دیگر روسیه سختی طرف حمله دول مرکزی واقع شده بود و اگر منفقین در جبهه غربی سخت بر قوای آلمان نمیتاختند و بدینوسیله

از شدت حملات آندولت بر متحد خویش نمیگاستند ممکن بود روسیه بکلی از پای در آید و ناگزیر صلح انفرادی تن دهد. علاوه برین در شبه جزیره بالکان نیز دول سه گانه رومانی و بلغارستان و یونان در پیوستن یکی از طرفین مردد بودند و هر گاه متفقین در جنبه غربی بفتوحات نمایانی نائل نمی آمدند ممکن بود دول مزبور بمخالفین ایشان پیوندند.

شابرین ژنرال ژوفر مصمم شد که در محل شامپانی 'آرتوا' واپس بسختی بر قوای دشمن حمله کند و برای انجام این مقصود تفریباً نیمی از تمام قوای فرانسه و یک تکت از قوای انگلیس را با ۱۷۵۰ توپ سنگین و ۲۷۸۰ توپ صحرائی بآندوم محل انتقال داد.

در روز ۱۹ سپتامبر توپخانه فرانسه در سه محل سابق الذکر خندقها و بناها گاههای قوای آلمان را هدف ساخت و شدت آتشباری آن بجائی رسید که در هیچیک از جنگهای پیشین نظیر آن دیده نشده بود. سپس لشکریان فرانسه و انگلیس بدستیاری آتش توپخانه خود بقوای دشمن نزدیک شدند و تاصد ذریع خندقهای حصه پیش رفتند در آرتوا واپس قوای فرانسه و انگلیس بسرداری ژنرال فش و ژنرال فرنیچ با سپاه ششم آلمان که ولیعهد باویر فرمانده آن بود مصادف شد و در شامپانی سپاهیان متفقین بفرماندهی ژنرال کاستننوا با سپاه سوم آلمان که ژنرال وون اینیم سردار آن بود روبرو شدند. با آنکه بواسطه شدت آتش توپخانه فرانسه بسیاری از خندقهای آلمانی ویران شد. سپاهیان آلمان سخت مقاومت نمودند و حملات قوای فرانسه و انگلیس را بانوهای مسلسل دفع کردند.

جنگهای شامبانی و آرتوا و ایپر تا اواخر ماه اکتبر دوام یافت ولی متفقین برخلاف امید خویش بیش از سه یا چهار کیلومتر پیش نرفتند و عاقبت ناچار از منظور خود چشم پوشیده بار دیگر در خندق متمکن شدند . عده تلف شدگان منفین درین جنگ به ۱۳۰۰۰۰ نفر بالغ شد . در صورتیکه تعداد کشتگان آلمان بمراتب کمتر بود بنابرین ژنرال ژوفر که میخواست خاک وطن را از وجود دشمن پاک کند بمقصود نرسید . در همانحال يك شکست سیاسی نیز بر متفقین وارد آمد و آن پیوستن بلغارستان بدول مرکزی اروپا بود .

چنانکه در وقایع سال ۱۹۱۴ گذشت پس از آنکه قوای آلمان و اطریش دومین حمله سپاه روس را در لهستان و گالیسی دفع کردند (دسامبر ۱۹۱۴) جنگهای جبهه شرقی

نیز بجنگهای خندقی مبدل شد ، ولی گراندوک نیکلا عم نثار سردار سپاه روس آرام ننشست و پس از شکست گالیسی در صدد برآمد که از جانب هنگری برخاک خصم حمله برد . پس قریب پانصد هزار سپاه در گالیسی گرد آورد و در آغاز ماه ژانویه ۱۹۱۵ از طریق جبال کارپاتا روزجانب هنگری نهاد . قوای اطریش و هنگری درین ناحیه پیاپی قوای روسیه نبود . علاوه سرمای سخت و برف و یخ همه روز عده کثیری از لشکریان طرفین را بیجان میکرد . فرمانده سپاه روس میکوشید که گردنه دوکلا را بتصرف آورد و از گردنه مزبور که کوتاهترین راه بود ایست پایتخت هنگری بود بر آتشبردست یابد . قوای اطریش هنگری با وجود کمکی که از جانب آلمان بدیشان رسیده بود با قوای عظیم روسیه مقاومت نمیتوانستند کرد و بیم آن بود که راه هنگری بردشمن باز شود . خاصه که در ۲۲ ماه مارس ۱۹۱۵ قلعه

مهم پرژهیسل^۱ پس از چهار ماه محاصره باجهل هزار اسیر و مقداری اسلحه بتصرف قوای روس درآمد و عده کثیری از لشکریان روس که در آنجا اسیر بودند آزاد شدند و حملات ایشان بر گردنه های جبال کاریبات شدیدتر شد. بالاخره در اواخر مارس ژنرال فالکن هاین^۲ رئیس کل ارکان حرب آلمان مصمم شد که حملات قوای روس را بسختی دفع کند و یکی از سرداران معروف آلمان موسوم به وون در مارویتز^۳ را که پیش از آن در جنگ مادن لیاقت بسیار نموده بود با يك گردارمه سپاه بكمك قوای اطریش هنگری فرستاد. مارویتز در آغاز ماه آوریل بر سپاهیان روس حمله کرد و در چندین محل آنان را درهم شکست و عاقبت فرمانده روس ناچار از مقصود خویش چشم پوشید و دوران محاربات کاریبات نیز پایان رسید. عده تلف شدگان قوای روس را در جنگهائی که از ماه نوامبر تا آوریل ۱۹۱۵ در جبهه شرقی روی داد قریب پانصد هزار نوشته اند

در همان حال که قسمت عمده سپاهیان روس در جبال کاریبات با قوای اطریش در نزده و خورد بود هیندنبورگ^۴ ولودندرف از شمال بر دسته دیگر از لشکریان روسی حمله برده بجانب ورشو متوجه شدند و پس از محاربات سختی که از فوریه تا ۲۲ آنگاه دوام یافت و «محاربات زمستانی دریاچه های مازور» معروفست قوای روس را بکلی درهم شکسته قریب ۱۱۰۰۰۰ اسیر و ۳۰۰ توپ بغنیمت گرفتند.



پس از محاربات کاریبات ولهستان شمالی روس دول آلمان و طریش متفقاً مصمم شدند که قوای خود را در سرحد شرقی گرد آورده با حملات سخت گالیسی ولهستان را از وجود سپاهیان روس ياك کنند و از شمال نیز برای ایالات ساحل بالٹیک حمله برده شهر سن پترزبورغ

را تهدید نمایند و بدینوسیله روسیه را از پای درآورند . علت اتخاذ این تصمیم آن بود که دول معظم مرکزی پس از نه ماه محاربه بدین نکته پی برده بودند که در تهیه سپاه و لوازم جنگی با متفقین برابری نمیتوانند کرد . چه تهیه سپاه برای روسیه بواسطه کثرت جمعیت و فراهم ساختن لوازم جنگی برای انگلستان که مستعمرات فراوان و سیادت بحری داشت آسان بود ، ولی از قوای لشکری و مادی دول مرکزی روز بروز کاسته میشد . بنابراین مصر شدند که بر شدت حملات خویش بیفزایند و دشمنان غربی و شرقی را پیش از آنکه قوای ایشان کاملر شود از پای درآورند .

چون حمله بر قوای دشمن در جبهه غربی نابرابر تجارب جنگی سابق در نظر ارکان حرب کل دول متحده مرکزی دشوار می نمود حمله بر قوای روسیه را ، که بعلمت شکستهای پیایی و نداشتن اسلحه کافی ضعیفتر بود ، مرجح شمردند و برای انجام این مقصود ژنرال ماکزن را که از سرداران نامی و کار آزموده آلمان بود با قریب ۵۰۰۰۰۰ هزار سپاه و ۱۵۰۰ توپ مختلف و اسلحه کامل مامور کردند که بدستیاری قوای فراوان اطربش و آلمان که در جبهه شرقی بود بر سپاهیان روس حمله برد .

ماکزن قوای خود را در ناحیه کراکوی گرد آورد و از روز اول ماه مه سپاه روس را هدف گلوله های توپخانه خویش ساخت و در ظرف چهار ساعت قریب ۷۰۰۰۰ گلوله بر سر ایشان ریخت و بدینوسیله قوای روس را مجبور ب عقب نشینی کرده آنان را بسختی تعاقب نمود از اطراف وی نیز دسته های دیگر سپاه آلمان و اطربش بر قوای روس حمله بردید . بالاخره گراندوکتیکلا فرمانده سپاه روس ناچار شد

نواحی کارپات را که بامشقات و قداکاریهای فراوان بتصرف آورده بود رها کند و همچنین ۱۵۰۰۰۰ سپاهی را که برای حمله بقسطنطنیه در شهر ادسا^۱ گرد آورده بود برای دفع حملات دشمن احضار نماید. لکن باز از عهده این امر بر نیامد. سایر سرداران روسی نیز در قسمتهای مختلف جبهه شرقی از پیش دشمن عقب نشستند، چنانکه نا اول سپتامبر سراسر کراکوی و قسمت اعظم گالیسی و تمام لهستان با شهر ورشو (هات) بتصرف قوای آلمان درآمد و سپاه آندولت در ناحیه شرقی از شهر برست لیتوسک^۲ نیز تجاوز کرد. در همان حال هیندنبورک^۳ هم از شمال بایالت کورلاندا^۴ تاخت و بسلا^۵ کونو^۶ و ویلنا^۷ را تصرف کرده (۱۸ سپتامبر) تا نزدیک بندر ریگا^۸ پیش رفت، ولی با آنکه سفائن جنگی آلمان نیز از جانب دریا بندر مزبور را گلوله باران کردند تصرف آن بر سپاه هیندنبورک^۳ میسر نگشت.

حمله قوای آلمان در جبهه شرقی تا اواخر سپتامبر دوام یافت درین تاریخ چون وجود قسمتی از قوای جبهه شرقی آلمان بواسطه حملات شدید متفقین در جبهه غربی لازم می نمود دولت اطربش هم در شبه جزیره بالکان و سرحدات ایتالیا. که از ۲۳ ماه مه بدو اعلان جنگ داده بود، بکمک قوری احتیاج داشت. سپاهیان آلمان حملات خویش را موقوف کردند و در جبهه شرقی مجدداً طرفین در خندقها جای گرفتند در ششم سپتامبر تسار روسیه فرماندهی کل سپاه روس را خود بمعهده گرفت و گراندوک نیکلارا^۹ که تا آن زمان دارای این سمت بود بفرماندهی سپاه قفقاز برگزید. از آن پس نیز قوای روس چندین بار تا اواسط ماه نوامبر در جنوب بر سرحدات

۱ - Odessa - ۱

۲ - Brest Litovsk - ۲

۳ - Kovno - ۳

۴ - Courlande - ۴

۵ - Riga - ۵

۶ - Vilna - ۶

اطریش هنگری حمله بردند ، ولی نتیجه مهمی نگرفتند .
علت عمده شکست قوای روس بی کفایتی و سستی و بی احتیاطی
و خیانت اولیای امور آندولت بود ، چنانکه وزیر جنگ روسیه
سوخوملینف^۱ هنگامیکه مخزنهای روسیه از اسلحه خالی بود ،
لوازم جنگی آندولت را کافی شمرد و از قبول چندین میلیون
تفنگی که دولت انگلیس برای روسیه فراهم کرده بود خودداری
کرد ، و در نتیجه این خیانت کار قوای روس بجائی رسید که
هنگام عقب نشینی حملات سخت سپاه خصم را با چوب و امثال آن
دفع میکردند . عمده تلف شدگان قوای روس در جنگهای ۱۹۱۵
بمراتب پیش ازتلف شدگان دول مرکزی بود و فقط تعداد آسرای
ایشان در سه ماه مه و ژون و ژوئیه به ۷۵۰۰۰۰ نفر میرسید !

از وقتیکه دولت عثمانی بمتحدین مرکزی پیوست (نوامبر
۱۹۱۴) راه دریای سیاه که یگانه وسیله ارتباط فرانسه
و انگلیس با روسیه بود بسته شد و دولت اخیر از حیث
لوازم جنگی سخت در عسرت ماند . در ماه ژانویه ۱۹۱۵ متفقین
بموجب معاهده ای سری بر آن شدند که با سفائن جنگی بتنگه
داردanel-حمله برند و قسطنطنیه را بتصرف آورده بروسیه سپارند و
بدینوسیله راه آسیای صغیر را بر آلمان بسته راه روسیه را بر خود
بگشایند . ولی دولت عثمانی از اواسط سال ۱۹۱۴ بدستیاری مهندسی
آلمانی در سواحل داردانل استحکامات عظیم بنا نهاده بود و متفقین
ازین امر بی اطلاع بودند ، بهمین سبب چون در ۲۵ فوریه ۱۹۱۵
سفائن جنگی انگلیس و فرانسه بر داردانل حمله بردند از دو ساحل
هدف گلوله توبه های عثمانی شدند و از آنمیان سه کشتی بزرگ غرق

حملة متفقین
بدار دانیل

شد و ناچار از مفسود خود چشم پوشیدند .
 پس ازین شکست متفقین قریب صد هزار سپاه سرداری ژنرال
 هامیلتون^۱ انگلیسی در مصر گرد آورده در ماه آوریل ۱۹۱۵ از
 طریق دریای اژه^۲ شبه جزیره^۳ گالی پولی^۴ حمله بردند . دولت روسیه
 نیز ۱۵۰۰۰۰ سپاه در ادسا حاضر کرده بود که از دریای سیاه
 بتنگه^۵ بسفر حمله برد . وای چنانکه سابقاً اشاره کردیم پس از حملات
 شدید قوای آلمان و اطریش در جبهه شرقی ناچار قوای ژنرال
 بدانجا فرستاد . قوای فرانسه و انگلیس هم . با آنکه تدریجاً بر عده
 ایشان افزوده شد . کاری از پیش نبردند . چه سپاهیان عثمانی بشرفمان^۶ هی
 ژنرال ونساندرس^۷ سردار آلمانی از دیرزمانی در انتظار ایشان
 بودند و مدت نه ماه آنان زود خورد کردند عاقبت چون مصر را نیز
 در پائیز آنسال طرف حماه سخت دول منجده^۸ مرکزی و باغراستان
 شد متفقین ناچار قوای خود را از شبه جزیره^۹ گالی پولی خارج کرد .
 برای کمک بحرستان بساونیک فرستادند . در جنگهای داردان
 بمتفقین خسارات زیاد وارد شد . چنانکه آنها از سپاهیان انگلیس ۱۱۳۳۰۸
 نفر مقتول و مجروح شدند و قریب ۱۰۰۰۰۰ تن وسعت^{۱۰} ارض
 مختلف از پای در آمدند . شکست داردامل قسطنطنیه را از خطر
 رهایی و دولت انگلیس را در نظر دول شرقی بیقدر و خوار کرد .
 ولی ضمناً قوای ترك را نیز از حملات شدید بمصر و تنگه^{۱۱} سوانز
 باز داشت .

دولت ایتالیا از آغاز جنگ خود را بطرف شمرده و
 فرانسه اطلاع داد بود که بدشمنان آن دولت نخواهد
 پیوست . در همان حال بمتحدین خویش یعنی دول آلمان
 ورود ایتالیا
 و باغراستان جنگ

۱ - Gallipoli

۲ - Egee

۳ - Hamilton

۴ - Von Sanders

و اطریش نیز اخطار کرد که هر گاه دولت اطریش باز بر قسمتی از شبه جزیره بالکان دست تصرف دراز کند دولت ایتالیا هر در عوض اراضی ایتالیائی زبانی را که در تصرف اطریشست حق خویش خواهد شمرد و در ماه دسامبر ۱۹۱۴ رسماً از دولت اطریش نواحی تریست و ترانتین و تیرول جنوبی را مطالبه کرد. ولی دولت اطریش بتسلیم نواحی مزبور راضی نشد و مذاکرات دولتین با وساطت آلمان تا ماه ۱۹۱۵ء دوام یافت. در همین حال متفقین که از آغاز جنگ با ایتالیا از در دوستی درآمده بودند در لندن با آند دولت معاهده ای سری منعقد ساختند و متعهد شدند که هر گاه ایتالیا بیاری ایشان برخیزد و با متحدین خود بجنگ پردازد تمام نواحی ایتالیائی زبان اطریش، مانند تریست و ترانتین و قسمت ساحلی دالماسی را حق مسلم او شمارند. بالاخره ایتالیا بتجربك متفقین در ۴ ماه مه رسماً از اتحاد مثلث کناره گرفت و چون دولت اطریش بتسلیم اراضی مطلوبه رضایت نداد در ۲۳ آنگام با آند دولت از در جنگ درآمد و در ۲۱ ماه اوت نیز بدولت عثمانی اعلان جنگ فرستاد. ولی از جنگ رسمی با آلمان تا ۲۷ اوت ۱۹۱۶ء یعنی درست تا روزی که دولت رومانی با اطریش و آلمان بجنگ پرداخت، احتراز کرد.

از آغاز جنگ بین الملل متفقین میکوشیدند که در شبه جزیره بالکان متحدینی برای خود تهیه کنند، ولی این مقصود انجام نیافت، چه پادشاه یونان بواسطه اینکه شوی خواهر ویلهلم بود بدولت آلمان بیشتر بستگی داشت و دولت رومانی را هم بادول آلمان و اطریش یاری جنگ نبود. قردیناند پادشاه بلغارستان نیز با آنکه نواده لئوی فیلیپ شاه قدیم فرانسه بود و فرانسویان او را خواخواه خود می پنداشتند

بعثت مداخله متفقین در جنگهای بلغارستان و صربستان در سال ۱۹۱۳ و تسلیم مقدونیه بصریستان بریشان بچشم عداوت مینگریست . متفقین برای اینکه پادشاه بلغارستان را با خود متحد سازند با موافقت صربستان حاضر شدند که نیمی از مقدونیه را باو تسلیم کنند ولی دول اطریش و آلمان بموجب معاهدهای سری در سال ۱۹۱۴ تمام مقدونیه را باو وعده داده بودند . به همین سبب نیز دولت بلغارستان عداقت در ۱۴ اکتبر ۱۹۱۵ با صربستان بچنگ پرداخت و در نتیجه متفقین هم با آن دولت از در جنگ درآمدند .

تصرف صربستان در اوایل ماه اکتبر ۱۹۱۵ دول آلمان و اطریش که از جنبه شرقی تاحدی آسوده خاطر شده بودند در صدد برآمدند که کار صربستان را یکسر بکنند و ماکنزن، که بواسطه فتوحات عظیم خود در جنبه شرقی بر تبه مارشالی رسیده بود، مأور تصرف آن ممالک گردید .

ماکنزن با دودسته سپاه از شمال و مغرب بر صربستان تاخت ، قوای بلغارستان نیز از مشرق حمله آوردند و سران آن مملکت در ظرف هشت هفته (از ۶ اکتبر تا ۲ نوامبر ۱۹۱۵) بتصرف متجدین درآمد . در نیم اکتبر متفقین ۷۵۰۰۰ سپاه بقصد یاری صربستان در سالونیک پیاده کرده و دولت ولی کارس از پیشان ساخته شده و عاقبت در سی نوامبر پادشاه صربستان و بان مائندگان سپاه از وطن را ترک گفته سران فرانسوی به جزیره کرفو گریختند پس از آن کورنای و کورنای کل سپاه اطریش مؤقتتگرو وقف متشمالی آلبانی را نیز تصرف کرد و آن پس آن دولت را در شبه جزیره ای که کن حریفی نماید .

جنگهای سال ۱۹۱۶

در سال ۱۹۱۵ دول آلمان و اطریش و عثمانی از هر سو فاجع شدند و در پایان آنسال چنان می نمود که فتح قطعی نیز بزودی نصیب ایشان خواهد گشت . لکن این تصور بخطا بود . چه دولت روسیه با وجود شکستهای سختی که در سال ۱۹۱۵ یافته بود هنوز قدرت کافی داشت و دول فرانسه و انگلیس هم در مغرب با سعی فراوان بتجهیز سپاه و تهیه اسلحه و فراهم ساختن وسائل حمله و دفاع مشغول بودند . دولت انگلستان بدستباری لرد گیچنر سپاهی عظیم گرد آورده بود و از آغاز سال ۱۹۱۶ (۲۵ ژانویه) نیز برخلاف رأی جمعی از مردان سیاسی مملکت خدمت لشکری را در سراسر برتانی کبیر (بجز ایرلند) ، تا پایان جنگ اجباری ساخت . در همانحال ژنرال دوگلاس هایگ را هم ، که از سرداران نامی انگلستان بود ، بجای مارشال فرنیچ بفرانسه فرستاد . دولت فرانسه نیز شب و روز برای تهیه سلاح و تجهیز سپاه در داخله مملکت و مستعمرات خویش میکوشید . علاوه برین جمله منفقین با امریکاروابط مستقیم دوستانه داشتند و مقدار کثیری اسلحه و آذوقه از ممالک متحده امریکای شمالی وارد میکردند . در صورتیکه سفائن جنگی انگلستان روابط دول مرکزی را با سایر قطعات عالم مقطوع ساخته بود و بهین سبب کار ممالک آلمان و اطریش اربحیث آذوقه و مواد خام و لوازم جنگ روز بروز دشوارتر میشد .

در آغاز سال ۱۹۱۶ سرداران آلمانی و اطریشی را در باب اقدامات جنگی آنسال عقاید مختلف بود . هیندنبورک ولودندرف معتقد بودند که دول مرکزی باز بجهت شرقی متوجه شده نهضت روسیه را که بواسطه شکستهای سال ۱۹۱۵ ناتوان شده بود ، از پای در آورند . کنراد رئیس کل سپاه اطریش نیز حمله بخالد ایتالیا و درهم شکستن

آندوت را لازم می‌شمرد . ولی فالکن هاین رئیس کل ارکان حزب آلمان عقیده داشت که باید اول با حملهٔ بسختی فرانسه را ناچیز کرد تا امید انگلستان نیز از فتح منقطع گردد و بصاحب راضی شود . سپس چون این دو حریف زورمند از میدان کناره گرفتند بانجام کار روسیه و ایتالیا پرداخت . برای ناچیز کردن فرانسه فالکن هاین مصمم شد که بسختی بر قلعهٔ وردن حمله برد . چه این قلعه در جنبهٔ غربی مهمترین تکیه گاه قوای متفقین بود و بگمان وی فرانسه چاره ای نداشت جز آنکه قسمت اعظم قوای خود را برای حفظ قلعهٔ مزبور فدا کند . در همان حال برای اینکه انگلستان را نیز مستأصل نماید بدوات پیشنهاد کرد که جنک تحت البحری را نامحدود سازد و از ورود سفاین خارجی با بهای انگلستان جلوگیری کند . ولی بتعمان هولوت از بیخ آنکه مبادا جنک تحت البحری نامحدود دول متحدهٔ امریکای شمالی را برضد آلمان برانگیزد با این امر موافقت نکرد و مخالفت او سبب شد که ون تیرپینز امیرالبحر کل آلمان از کار کناره گرفت .

پس از آن

متفقین نیز پس از شکستهای بیابانی ۱۹۱۵ خود را برای حملهٔ بسختی مهیا میکردند و بالاخره جهادگی بر آن شدند که در تابستان ۱۹۱۶ قوای خود را در ناحیهٔ ریدسمر لرد آورده از طرف آروندزه بسختی بر قوای دشمن حمله کنند و اگر نتوانند اراضی فرانسه و پیشتر را از نو باز گیرند .

پس از جنگهای شامپانی و آرتوا در پیش ۱۹۱۵ جنبهٔ غربی جهاد آرام شده بود و این آرامی نمایان زمین آسمانی و آسمان

سال ۱۹۱۶ دوام یافت معینا در بندت آتش جنگهای هوایی روشن بود و هوا نوردان آلمانی چندین بار با طوره و زمین شهر نرس و سواحل شرقی انگلستان را گوله باران کردند . از بن زمان روز روز دایره جنگهای هوایی توسعه یافت و اهمیت آن بواسطهٔ وجود هواپیما

شجاع بی باکی مانند گوینر افرانسوی و بولکه و ایملمان^۲ آلمانی
زیاده گشت. ازین پس تا پایان جنگ زمینها و طیاره های زیرک آلمانی
معروف به **گیتا** مکرر شهراندن و سواحل انگلستان و سفائن آندولت
را در دریا های اطراف گاو اباران کردند و همچنین مکرر بوسیله طیاره های
خویش مقاصد جنگی دشمن را مکشوف ساختند. چنانکه ارکان حرب
آلمان مدتی پیش از حمله متفقین در ماه مه ۱۹۱۵ با حیه آراء از روی
عکسهائی که هواپیمای آلمانی گرفته بودند کابلا به مقصود دشمن و
وضع سپاه او و تجهیزاتی که برای حمله مذکور میکرد بی
برده بود.

آرامی جبهه غربی تا ماه فوریه ۱۹۱۵ باقی بود، فسطاقوای
آلمان که در صدد حمله سختی بقلعه وردن بودند چندبار برای اعمال
دشمن در نواحی آرتوا و نامیای و جیک و ژحملات مختصری کردند.
قاعه وردن بگمزه سردارن آلمانی بمنزله قاب فرانسه بود و تسخیر آن
دولت مزبور را نیز میکرد. لکن این قاعه سخت مستحکم بود و مخصوصاً
تصرف آن بواسطه وضع ارضی و فلاح جنگلهای اطراف دشواری نمود.
از روز ۲۶ فوریه توپخانه آلمان با توپهای سنگین ۲۱۰ و
۴۲۰ میلیمتری بشمار از احر دست روزموز لشکریان فرانسه را
بسیختی گاو اباران کرد و بماء آن آلمان را داری و زیعهد آندولت
بجانب قاعه وردن حمله بردند. در مارس دشمن را قریب ۲۰ کیلومتر
عقب کشیدند. **تولنت و توپمیرن** که از اول مستحکم فرانسه بود و بصرف
آوردند. ژنرال توپمیرن نیز در آن حرب فرانسه نیز می درنت ژنرال
پتین^۳ را که از سرداران ک...

۱ - Goyner
۲ - Immanuel
۳ - Piton
۴ - Douaumont
۵ - ۱۹۱۵

قلعه وردن بودند گماشت و چون راه آهن بزرگ فرانسه در بین ناحیه از روز اول جنگ مقطوع شده بود، با انواع بیابانهای باری بزرگ که پیوسته چون زنجیری از دوسوی راه در حرکت بودند. سیاه و اساحه بمیدان جنگ فرستاد.

پس از فتح قلعه دوئومون و ایچهد آلمان از ساحل چپ رود مون نیز بر قوای فرانسه حمله برد و پس از محاربات خونین سخت چند محل معتبر جنگی را بنسرف آورد و ۱۲ هزار سرب و ۲۵۰۰ اسیر و مقدار کتیری توپ سنگین و سبک غنیمت گرفت. معهذا در سخت ترین مواقع ژو فروین از طریق حزه و برد آری منحرف نشدند و با اطمینان خاطر سپاهیان فرانسه را بدفع دشمن تحریض کردند و بدینوسیله دشمن را از پیشرفت سریع ازدا شدند. جنگ وردن بواسطه پذیری قوای فرانسه قریب نه ماه دوام یافت و درینمدت شب و روز گواه و پ از آسمان فرو می آمد. جنگها و مزارع و جاگه های سبز خرم صحرائی شوه و هراس گمز مبدل شد که ضربت میلیونها گواه توپ آنرا شیخه کرده و خون صده هزار آلمانی و فرانسوی سیراب نموده بود.

در اوائل ماهه ژانوال فیول که اورا «رها تده وردن» میخوانند از جنب ارکان حرب کل فرانسه بجای پتن گماشته شد و فرانسویین لاینقطع بر قوای خویش افزودند. و ایچهد آلمان نیز قسمتی از سپاهیان خود را تجدید کرده بار دیگر بحملات سخت پرداخت و در دوم ژوون قلعه مستحکم و و آرا، فنوح ساخت. لکن از سیه این ماه دوران پیشرفت قوای آلمان پایان رسید. چه از طرفی بواسطه آنکه در خاک فرانسه با شتاب پیش آمده بودند حفظ روابط ایشان

با داخله آلمان و جبران تلف شدگان سپاه دشوار شده بود و از طرف دیگر متفقین از روز اول ماه ژوئیه در ناحیه سر و جبهه شرقی سخت بر قوای آلمان حمله بردند و بدین سبب ارکان حرب آندولت و بیجور شد که قسمتی از سپاه و ردن را بمناحیه سم و سرحدات شرقی فرستند، پس قوای آلمان ناچار عقب نشستند و فلاح دوآومون و « و و » تا آغاز ماه نوامبر از تصرف ایشان بدر رفت. در ماه دسامبر نیز شکستهای تازه یافتند و آنچه را که در آمدت با تحمل خسارات فراوان گرفته بودند بدشمن باز دادند.

در آغاز جنگ و ردن دولت آلمان امید بفتح عظیمی داشت. لکن این امید بپانصد هزار جوان آلمانی در آنسوی زمین مدفون گشت. عده تلف شدگان فرانسه را نیز در همین حدود نگاشته اند.

در تابستان سال ۱۹۱۶ وضع دول آلمان و اطریش سخت دشوار می نمود، زیرا حماه و ردن ب نتیجه ای نرسیده و سپاه اطریش در ایطالیا پیشرفتی نکرده بود. قوای روس نیز از مشرق حملات سخت آغاز کرده بودند و دولت رومانی خبال پیوستن بمتفقین در سر داشت. از طرفی بواسطه تصویب قانون سپاه اجباری در انگلستان روز بروز بر عده لشکریان آندولت در جبهه غربی میفزود و جمع آن تقریباً یک میلیون رسیده بود. دولت فرانسه در تجهیز سپاه و تهیه سلاح میکوشید و امریکا دائماً متفقین را لوازم جنگی و اسلحه و آذوقه میفرستاد. جنگ تحت البحری نیز بنا بر درخواست و تهدید ویلسن رئیس جمهور ممالک متحده امریکا محدود شده بود. درینحال دول مرکزی از هر سو در محاصره بودند و تهیه سلاح و آذوقه و

مواد خام روز بروز بریشان دشوار ترمی گشت ،

در چنین موقعی متفقین در ناحیه رود سم بر قوای آلمان بسختی حمله بردند و بانویهای سنگینی که از چندین ماه پیش مهیا شده و در آن ناحیه گرد آمده بود خندقهای خصم را گلوله باران کردند. فرماندهی سپاه آلمان در شمال رود سم با ژنرال فریتزون بلوا و در جنوب با ژنرال گالویتز بود و این دو سردار در دفع حملات دشمن ایات بسیار نمودند . با اینکه عده سپاهیان انگلیسی و فرانسوی در ناحیه سم بمراتب بیشتر از لشکریان آلمان و توپخانه و لوازم جنگی ایشان نیز بدرجات کاماثر بود، بواسطه پایداری قوای آلمان ناپایان ماه اوت بیش از شش کیلومتر پیش نرفتند و همه جا حملات آنان با مقاومتهای سخت مواجه گشت. تنها فائده‌ای که ازین جنگ دو ماهه نصیب منفین شد پیوستن رومانی بدیشان و باز داشتن سپاه آلمان از دفع حملات شدید قوای روس در جبهه شرقی و اندک پیشرفت سپاه ابطالما در جبهه جنوبی بود . در ماه سپتامبر منفین بر شدت حملات خوبش افزوده‌ند و جنت سم در سختی صورتی گرفت که حتی در محاربات وردن نیز بطیر آلوده شده بود. در اواسط سپتامبر متفقین بسلاح جدیدی متوسل شدند و عرسه کارزر بانومیلهای سنگین زره پوش معروف به قانت^۲ مزین گشت^۱ ظهور داشت که هرمانی مانند درختان و سیمهای خاردار و امثال آنرا از پیش رویداشت و از خندقها باسانی میگذاشت در آغاز امر موجب هراس قوای آلمان شد. خاصه که در همان حال طیارهای فرانسه و انگلیس نیز بانویهای مسلسل از هوا توپخانه و پیادگان سپاه آلمان را در خندقها و مراکز ایشان هدف گلوله ساختند. لکن این هراس در ... زمانی بواسطه افزایش قوای هوایی آلمان و تهیه وسائل دفع تاکنها با امید مبدل شد .

جنگ سم تا ماه نوامبر ۱۹۱۶ دوام یافت و چون بارانهای شدید پائیزی باریدن گرفت کم کم آتش جنگ فرو نشست. درین محاربه منفین از حملات شدید خود نتیجه مهمی نگرفتند و دائره پیشرفت ایشان از ۱۵ کیلومتر تجاوز نکرد. جمع سپاهیان طرفین در جنگ سم چندین میلیون رسید و در اواخر جنگ هم دولت آلمان، چون عده تلف شدگان سپاه بسیار بود، ناگزیر لشکریان جوان ناآزموده را بمیدان فرستاد. در جنگ سم قریب ۵۰۰،۰۰۰ تن از قوای آلمان و ۷۵۰،۰۰۰ تن از سپاه متفقین بهلاکت رسیدند. عده صاحب منصبان مقتول نیز به مراتب از محاربات پیش بیشتر بود و جبران این خسارت بر طرفین باسانی میسر نمیشد.

پس از جنگ سم وشکست وردن بنیان اعتماد واطمینانی که بواسطه فتوحات سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵، در فرانسه وپروس شرقی ولهستان وگالیسی و صربستان، در دول مرکزی پدید آمده بودستی گرفت و بر آنان مسلم شد که در قوای لشکری و مادی بادشمنان خود برابری نمیتوانند کرد. خاصه که در سال ۱۹۱۶ دول رومانی و پرتغال نیز با ایشان از در جنگ درآمدند و پس از مرگ پادشاه یونان هم پسر او ناچار گردن باطاعت متفقین نهاد.

همینا وضع دول مرکزی چنان نبود که از فتح نومید شوند؛ چه قوای ایشان در مشرق و مغرب قسمت مهمی از اراضی دشمنان را در تصرف داشت و بزرگترین حریف آنان فرانسه نیز خسارات فراوان دیده بود و بنا بر اظهار رسمی وزیر جنگ آن مملکت از آغاز جنگ تا ماه نوامبر ۱۹۱۶ قریب ۱۵۰،۰۰۰ تن از افراد سپاهش بهلاکت رسیده بودند. علاوه برین اوضاع داخلی روسیه نیز سخت مشوش و آثار زوال آن دولت پدیدار بود.

جنگهای صحنه زمانیکه قوای آلمان در ۲۱ فوریه ۱۹۱۶ بغلعه وردن تاختند دولت روسیه در صدد برآمد که در ناحیه شمالی جبهه شرقی بر سپاه دشمن حمله برد تا بدینوسیله هم از شدت حملات او در ناحیه وردن بکاهد و هم اگر بتواند اراضی از دست رفته را باز گیرد. بنابراین قوای روس در اواسط ماه مارس بسر داری کورویاتسکین در نزدیکی شهر کونور لشکریان آلمان تاختند ولی ازین امر نتیجه ای نگرفتند.

دو ماه بعد متفقین بنا بر نقشه ای که نهانی طرح کرده بودند، ناگهان در دو جبهه غربی و شرقی بر قوای دول مرکزی حمله بردند. در چهارم ژون سپاهیان روس در ناحیه بوکوفین بسختی بر سنگرهای اطریشی تاختند و چون در همان ایام قسمتی از قوای اطریش از آن ناحیه بسرحدات ایتالیا انتقال یافته بود، سپاهیان آندوات تاب مقاومت نیاورده و منهزم شدند. سه هفته بعد نیز چنانکه در صفحات پیش گذشت، در جبهه غربی حملات شدید سپاه فرانس و انگلیس در ناحیه رودس آغاز شد. در هفته اول ماه اوت هم قوای ایتالیا در جبهه جنوبی بر لشکریان اطریش تاخته ایشان را درهم شکستند. «لاخره در ۲۷ ماه اوت نیز دولت رومانی با آلمان و اطریش ز در جهت درآمده بایالت ترانسیوانی لشکر کشید. پس از مدتی مدتی در جبهه وردن هم دوران پیروزی قوای آلمان پایان رسید و فرانسویان بغلوحاتی نائل شدند. حوادث ناگهانی مزور و شکستهای پیروز دور مرکزی را که امید قدرت و برتری قوای جنگی خویش از هدایت قوای دشمنان غافل بودند، پدید کرد و روشن مسدود - که رئیس کل زکون حرب آلمان در طرح نقشه های جنگی خود میزبان توانائی حربیان را رعایت نکرد. و بدین سبب از صریح و صریح -

منحرف شده است . پس ویلهلم دوم فایکین هاین را از ریاست کل ارکان حرب معزول کرده مقام او را به هیندنبورک که طرف اعتماد واحترام عامت و افراد سپاه بود سپرد ولودیدرف را هم بمعاونت وی گماشت (۲۹ اوت) . از ۱۳ ماه سپتامبر ۱۹۱۶ نیز ناموافقیت فرانسوا ژرف ویلهلم دوم فرماندهی کل سپاه آلمان و اطیش و سایر متحدین را شخصاً بعهدہ گرفت و سرداران دول منحدہ عموماً فرمانبردار او شدند .

منظور متفقین از حملات سختی که در تابستان ۱۹۱۶ از هرسو آغاز گردید درهم شکستن قوای دول مرکزی و از پای در آوردن ایشان بود . ولی هیچیک از حملات آنان مانند حملة قوای عظیم روس در دشمن مؤثر نبفتاد . چه دولت روسیه از سال ۱۹۱۵ وسائل حماة سخت خویش را مهیا کرده ، مقدار کثیری اسلحه از متفقین خود و ممالک متحدہ امریکا خواسته بود و خسارات لشکری و مادی شکستهای گذشته را جبران نموده افراد سپاه خویش را بدستیاری منحصصین انگلیسی و فرانسوی و ژاپونی از قنون جدیدہ جنک آگاه ساخته بود در ۴ ژون پروسیلفا سردار روسی نخست در جنوب جبهه شرقی (از مردابهای پریپه تا سرحد رومانی) بر قوای اطیشی حملة برد و چون سپاه اطیش در بن ناحیه قایل بود آنانرا شکستی سخت داد و لشکریان روس پیشرفت بسیار کردند . پس دول مرکزی ناچار مقدار کثیری از سپاه احتیاطی خویش و قسمتی از قوای جبهه وردن و سم و ایتالیا را بانقلاب مدفع حملات شدید سپاه روس فرسنادند و در گاهای سختی در سراسر جبهه شرقی در گرفت . فرماندهی سپاه

آلمان و اطریش از دریای بالتیک تا واحی لمبرگه در آغاز امر با هیندنبورگ بود و پس از آنکه او بریاست کل ارکان حرب آلمان منصوب شد این مقام را به پرنس لئوپولد شاهزاده باویر سپردند فرماندهی بقبه سپاه نیز تا سرحد رومانی نخست با آرشیدوک شارل نوه برادر فرانسو ژرف (پسر فرانسو فردیناند و لبعهد مقتول اطریش در سرایه و بود. ولی پس از آنکه فرانسو ژرف در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۶ در گذشت و آرشیدوک شارل بنام شارل اول جانشین وی شد فرماندهی این قسمت از جبهه شرقی نیز به آرشیدوک ژرف شاهزاده اطریشی تفویض گشت.

جنگهای جبهه شرقی چند ماه دوام یافت و از آن بدول مرکزی خسارات فراوان رسید، چنانکه ناچار دسنه ای از سپاهیان عثمانی را بکمک طلبیدند. ولی باز پایداری لشکریان آلمان و اطریش مانع پیشرفت فوای روس گردید و آنانرا از انجام مقصود باز داشت در ماه اوت آتش جنگهای جبهه شرقی اندکی فرو نشست، اما پس از آنکه در ماه سپتامبر دولت رومانی با بابت ترانسووانی لشکر کشید سرداران روسی در داکر بر سده آلمان و اطریش حمله بردند، لکن چون فوای آن بواسطه جنگهای پیشین ضعیف شده بود از حمله خود بیجبهی نگرفتند و بهمه ماه سپتامبر جبهه شرقی مجددا آرام گشت بعد از تلف شدن و اسیران سپاه اطریش درین جنگها، به ۱۰۰۰۰ تن رسید جمع امیران و مقنولمن فوای روس را نیز قریب بیست مایون کاشه اند و البته این خسارت بهیچوجه اندک پیشرفت ایشان قابل تمسبه نبود.

چنانکه در سطور فوق اشاره کردیم دولت روسی هنگامی که دولت آلمان و اطریش از سرخ و مغرب و جنوب گرفتار حالات سخت دشمنی بودند با ایشان از درجوب

درآمد (۲۷ اوت ۱۹۱۶) و به ترانسیلوانی لشکر کشید. در نتیجه ورود رومانی بیچنک وضع دول مرکزی از آنچه بود به مراتب سخت تر شد. چه عده افراد سپاه دولت مزبور به ۷۵۰۰۰۰ تن میرسید و با این عده میتوانست از طریق ترانسیلوانی بقلب هنگری راه یابد و روابط دول مرکزی را با شبه جزیره بالکان قطع کنند و نیز ممکن بود که از جنوب بخاک بلغارستان و عثمانی حمله برده بدستگیری لشکریان متفقین که در سالونیک بودند آندو دولت را از پای در آورده. بنابراین بر دول مرکزی واجب بود که بزودی شر رومانی را دفع کنند و با حمله سختی او را از عرصه کارزار خارج سازند. پس با نهایت شتاب دودسته سپاه سرداری ژنرال فالکن هاین رئیس سابق ارکان حرب کل آلمان و ژنرال وین آرزو برای انجام مقصود خود ترانسیلوانی فرستادند و ژنرال ماکنزن را نیز مأمور کردند که با سپاهی مرکب از قوای نرک و بلغار و آلمان از جنوب بخاک رومانی حمله برد.

ماکنزن در آغاز ماه سپتامبر از سرحد رومانی گذشته وارد جاگه دو بروجه شد و ناپایان ماه اکتبر قسمتی از جلگه مزبور را با بندر مهم کستائرا بتصرف آورده راه ارتباط بخارست و دریای سیاه را قطع کرد. در آنحال لشکریان رومانی از گردنهای رشته شرقی جبال کاریات باسانی گذشته وارد خاک ترانسیلوانی شده بودند و چون قوای مهمی در برابر ایشان نبود با ایندک شتای می توانستند بکفست از هنگری را نیز تسخیر کنند. ولی از موقع استفاده نکردند. در پایان ماه سپتامبر سپاهیان دوگانه آلمان و اطریش که مأمور ترانسیلوانی شده بودند در محل مأموریت خود گرد آمدند و در ظرف سه هفته سپاه

رومانی را از گردنهای کاربات بازرانده خاک ترانسیلوانی را از وجود ایشان پاک کردند و دولت رومانی که میخواست متفقین را یاری کند خود بکمک قوای روس محتاج گشت .

فالبکن هاین و آرز در ماه نوامبر با قوای جدیدی باز سپاهیان رومانی را بسختی تعاقب کردند و پس از محاربات شدیدی، که مهمترین آنها جنگ تارگوژیوا است، آنانرا تا نزدیک بخارست عقب راندند، در همانحال ماکنزن نیز از جنوب متوجه بخارست شد و تا ششم دسامبر آنشهر را تسخیر کرد و لشکریان رومانی ناچار تا رود سرت عقب نشستند . بنابراین در اندک مدتی قسمت اعظم خاک رومانی بقصد متحدین درآمد و با آنکه سپاهیان رومانی هنگام عقب نشستن انبارهای گندم و چاههای نفت را آتش میزدند . باز مقدار کثیری گندم و نفت که دول آلمان و اطریش بدان احتیاج فراوان داشتند بدست ایشان افتاد.

سپاهیان رومانی پس از شکستهای پیاپی در عقب رودخانه سرت و در نواحی کوهستانی مملکت متمکن شدند و چون وجود ایشان برای دول مرکزی خطرناک بود قسمتی از قوای آلمان و اطریش ناگزیر در خاک رومانی باقی ماندند . در تابستان سال ۱۹۱۷ که متفقین باز عموماً بر دول مرکزی تاخند لشکریان رومانی هم بفرماندهی سرداران قرانسوی در حوالی رودخانه سرت بر قوای دشمن حمله بردند . ولی ماکنزن ایشانرا بسختی درهم شکست و بالاخره پس از آنکه دولت روسیه بامتحدین از در صلح درآمد، دولت رومانی هم ناچار بصلح تن داد (دسامبر ۱۹۱۷) ، لکن مصالحه قطعی آندوات بامتحدین، چنانکه بعد خواهد آمد ، در بهار سال ۱۹۱۸ منعقد گشت .

جنگ بحری
اسکارزاک

در سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ جنگ بحری عظیمی روی
نداد ، چه سفائن جنگی آلمان و انگلیس از اقدام بجنگ
در نزدیکی سواحل دشمن بپیم داشتند . دولت آلمان
با آنکه بوسیله کروزهای سبک و تحت البحرهای خود و مواد قابل
انفجاری که در ممبر کشتیهای دشمنان میگذاشت بسیاری از سفائن جنگی
و تجارتی انگلیس را غرق کرد . توانست بر قوای بحری آند دولت
شکست محسوسی وارد کند . خاصه که دولت برتانی کبیر در
ضمن جنگ دائماً با ساختن سفائن جنگی تازه بر قوای حویش بحری
میزرود .

در سال ۱۹۱۶ امیر البحر آلمانی موسوم به شتر^۱ که از ماکزانویه
آنسال فرماندهی کل سفائن جنگی آند دولت منصوب شده بود ، در صدد
بر آمد که کشتیهای آلمانی را از تادر مملکت بدرمای شمال بره و
آشکارا با قوای بحری انگلیس بجنگ پردازد . پس در ۳۱ ماه مه ۱۹۱۶
دسته ای از سفائن جنگی آلمان به فرماندهی شروهیپیر^۲ که رتبه بیابت
امیر البحر بود ، داشت از بندر ویلهلمسهافن خارج شده در کنار شبه جزیره
ژوکاند راه دریا پیش گرفتند ، تا مگر خود را بسواحل انگلستان
رسانیده بتادر آن مملکت را گوازه باران کنند . اتفاقاً در همان روز
دسته ای از کشتیهای جنگی انگلیس هم فرماندهی امیر البحر انگلیسی
موسوم به باتی^۳ بزم تحقیقات بحری رو جنوب دریای شمال نهادند
بودند . بعد از ظهر آنروز سفائن جنگی طرفین با یکدیگر روبرو
شدند و جنگ سختی در نزدیکی تنگه اسکارزاک^۴ در گرفت . در آغاز
امر چون عده کشتیهای آلمانی بیش از سفائن خصم بود سه کشتی بزرگ
انگلیسی غرق شد و مابقی ناچار فرمان عقب نشینی داد . لکن در همان حال